

سیاست پولی

مالی تیمور

وخاندان او وسکه های آنها

تالیف : عرفان توختییف

به کوشش : بهمن اکبری





شابك: ۹۶۴-۶۱۲۲-۳۱-۴
ISBN: 964-6122-31-4

سیاست پولی - مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آنها

۹۲۵۲۳

تألیف: عرفان توختی‌یف
به کوشش: بهمن اکبری



نام کتاب: سیاست پولی - مالی تیمور

تألیف: عرفان توختیپف

به کوشش: بهمن اکبری

ناشر: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) قم

نوبت چاپ: اوّل / سال ۱۳۷۷ ش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفزنی: قرآنشر

لیتوگرافی تیزهوش

چاپ: حافظ

شابک: ۹۶۴-۶۱۲۲-۳۱-۴ ISBN: 964-6122-31-4

الحمد لله رب العالمين

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
سخنی پیرامون این رساله	۹
مقدمه	۱۱
۱- اوضاع تاریخی در آسیای مرکزی پیش از روی کار آمدن تیمور	۱۶
۲- سیاست پولی - مالی امیر تیمور و سکه‌های وی	۲۵
۳- سکه‌های محمد سلطان محمد جهانگیر و خلیل سلطان از اخلاف تیمور ..	۳۹
۴- سکه‌های شاهرخ	۴۵
۵- نشستن الغ‌بیک بر تخت سلطنت سمرقند و سکه‌های او	۴۹
۶- حکمفرمایی اخلاف تیمور در ماوراءالنهر بعد از قتل میرزا الغ‌بیک و سکه‌های آنها	۵۳
۷- حکمرانی اخلاف تیمور در خراسان و سکه‌های آنها	۵۷
۸- ارز ملی ازبکستان مستقل و سکه‌های ضرب آن به مناسب سالروز تولد امیر تیمور و میرزا الغ‌بیک	۶۰
۹- کاتالوگ سکه‌های تیمور و خاندان او	۶۷



پیشگفتار

در نیمهٔ دوم قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم م در محدوده خیلی وسیع از دیوارچین در شرق گرفته، تا دریای مدیترانه در غرب، تا دشت قپچاق در شمال و در جنوب تا خلیج فارس سلطنت تیمور و تیموریان قرار گرفته حکومت کردند. احیاء چنین سلطنت بزرگ در آسیای مرکزی بدون شک اجازه داد ملل مختلف که در این محدوده بسر می‌بردند با هم از نزدیک در ملاقات باشند و در قلمرو یک دولت زندگی کنند.

امیرنشین‌های خرد فتودالی که علیه یکدیگر می‌جنگیدند برجیده شد و کشور از نظر اقتصادی و فرهنگی توسعه یافت بویژه بین ملل ماورالنهر، ترکستان، ایران، خراسان و آسیای صغیر روابط بازرگانی بیش از پیش گسترش یافت. شهرهای مرکزی این محدوده خصوصاً سمرقند، بخارا، مرو، هرات، مشهد، اصفهان، بغداد و مشابه آن آباد شد، پیشه‌وری، تجارت داخلی و خارجی، علم و فرهنگ و معماری ترقی یافت.

در این شهرها ساختمانهای معماری بزرگ، مسجد، مدرسه و کاروانسرای، چارسو، خانقاه، دارالشفاء و حمام‌ها بنا شد و شهرها آبادتر شد. در آثار مورخین مانند نظام‌الدین شامی، شرف‌الدین علی یزدی، حافظ ابرو، ابن عرب شاه، عبدالرزاق سمرقندی، میرزا حیدر دُغلات و غیره که در آن دوران در شهرهای مختلف ماورالنهر و ایران بسر می‌بردند دربارهٔ سلطنت تیمور و سلطنت تیموریان اطلاعات فراوانی آورده شده است.

براساس این اطلاعات تاریخ‌دانهای ازبکستان تاریخ سلسله تیمور

و تیموریان را بررسی کرده تاریخ صعود اقتصادی و فرهنگی کشور در نیمه دوم قرن چهاردهم و در قرن پانزدهم را مورد پژوهش قرار داده جمع‌بندی کردند. براساس ابتکار ۰۴۰۱ کریم‌اف رئیس‌جمهوری کشورمان که براساس جمع‌بندیهای علمی مورخین ما ارائه شده بود و بنا به تصمیم یونسکو در سال ۱۹۹۶ ششصدمین سالگرد امیر تیمور در میهن ما در ابعاد وسیع تجلیل گردید. اگرچه به مناسبت این گرامیداشت منابع متعدد کتبی درباره دوران تیمور و تیموریان به زبان ازبکی ترجمه شده است ولی در آن آثار اطلاعات درباره اصلاحات بعمل آمده در زمینه پول و مالی و اقتصادی کم است. لذا بایستی در این زمینه پژوهشهای ویژه‌ای را انجام داد و منابع خاصی را بررسی کرد.

چنین منبعی در بررسی سکه‌های ضرب شده در شهرهای مختلف ماورالنهر، خراسان و ایران در دوره سلسله تیمور و تیموریان (سمرقند، بخارا، خوارزم، استراباد، بامیان، بغداد، هرات، اصفهان، کرمان، مشهد و شهرهای دیگر) و در روشن کردن سیاست پولی، مالی و اقتصادی اولاد تیمور مفید است. از این نقطه نظر رساله علمی عرفان تخیوف دکتر علوم تاریخ، کارشناسی ارشد موزه دولتی تاریخ ازبکستان تحت عنوان «سیاس پولی و مالی و سکه‌های سلسله تیمور و تیموریان» که براساس سکه‌های محفوظ در بخش سکه‌شناسی موزه و ضرب شده از طرف امیر تیمور و اولاد وی می‌باشد دارای اهمیت زیاد علمی است.

به عقیده من ترجمه این رساله به زبان فارسی و آشناسازی دانشمندان ایران با آن در تحکیم روابط علمی و فنی و فرهنگی و دوستی بین ملل ازبکستان و ایران حائز اهمیت می‌باشد.

در توسعه روابط علمی، مصرفی، فرهنگی و دوستی بین ملل ازبکستان و ایران آرزوی موفقیت‌های فراوان دارم.

عبدالاحد محمدجان‌اف

معاون رئیس آکادمی علوم جمهوری ازبکستان و رئیس مؤسسه تاریخ

سخنی پیرامون این رساله

از هنگامی که جمهوری ازبکستان، استقلال خود را به دست آورد، در کنار دیگر پیشرفت‌ها، فرهنگ نیز، رو به رشد و گسترش نهاد. مقاله‌ها و رساله‌های فراوانی درباره فرهنگ دیرین این سرزمین کهن، توسط پژوهشگران و خامه به‌دستان، به‌نگارش آمد.

یکی از این رساله‌های ارزشمند، کتابیست که به خامه «عرفان توختیف» با عنوان «تیمور و سکه‌های خاندان او» به زبان ازبکی نوشته شد و از سوی چاپخانه «فن» اکادمی علوم جمهوری ازبکستان در ۴۴ صفحه به قطع جیبی در سال ۱۹۹۲ میلادی در تاشکند چاپ گردید.

آن نویسنده محترم، در سال ۱۹۹۷ در متن رساله یاد شده، تجدیدنظر کامل نموده و آن را با دیگرگونیهای کلی، تحت عنوان «سیاست پولی - مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آنها» در ۶۵ صفحه تایی تهیه کرده و آماده چاپ ساخته است.

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری ازبکستان، نظر به اهمیت تاریخی و سیاسی این رساله، برآن شد که آن را به زبان فارسی، ترجمه و در دسترس علاقه‌مندان قرار بدهد.

جناب آقای عبدالکمال پولادف که در مؤسسه دولتی خاورشناسی جمهوری ازبکستان، آموزگار زبان فارسی‌اند، اثر یادشده را به

زبان تاجیکی (فارسی) ترجمه کردند و جناب آقای محمدناصر طهوری شاعر و ویراستار افغانستانی، کار ویرایش این رساله را بردوش گرفتند. البته یک نکته درخور یادآوریست که ویراستار محترم، نظر به مشورت ما، به خاطر رعایت اصالت ترجمه، فقط به ویرایش لازم و قابل فهم ساختن جمله‌ها و عبارتهای مترجم، بسنده کرد، زیرا اگر این رساله را صددرصد با روشهای نگارش امروزی که در ایران به کار برده می‌شود، همسان می‌ساخت، باید انشای این ترجمه را کاملاً دیگرگون می‌نمود....

امید است پوزش ما به خاطر این ناگزیری، مورد پذیرش صاحب‌نظران و علاقه‌مندان آثار پژوهشی و تاریخی، قرار بگیرد. و این اثر، گامی در پیوندهای عمیق میان دو ملت دوست و برادر ایران و ازبکستان باشد. ان‌شاءالله.

در پایان از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرعشی رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) که با حسن نظر و لطف فراوان کار چاپ این اثر را به عهده گرفتند، صمیمانه سپاسگزارم.

بهمن اکبر

رایزن فرهنگی

سفارت جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری ازبکستان

مقدمه

اسلام کریموف رئیس‌جمهور ازبکستان طی سخنانی در مراسم باشکوه گشایش مجسمه صاحب قران امیر تیمور در تاشکند در سال ۱۹۹۳ اظهار داشت:

«خلق ما که در طی سالهای متمادی در تنگنای استعماری به سر برده است، از امکان ارج نهادن به هم‌میهن خود و قرار دادن موضع تاریخی او در مقام شایسته، محروم بود. نام امیر تیمور از صفحات تأریخ‌مان محو و به دست فراموشی سپرده شده بود. هدف، امحای آگاهی ملی و غرور ملی از قلب مردم ما و وابسته قرار دادن آنان بود. ولی خلق ازبیک، اجداد و بهادران خود را فراموش نکرد، بل همیشه در قلبش نگه داشت.»

واقعاً، حقیقت، عدالت، غرور و افتخار خیلی بزرگ در ماهیت این سخنان، نهفته است.

امیر تیمور با استراتژی و تاکتیک ویژه خود، مثل رجل کبیر دولتی، دیپلمات، اقتصاددان، اصلاح‌طلب، فرمان‌روای غیرتمند، انسان‌دوست، گشاده‌دل، حامی فن و فرهنگ، در اواخر سده چهاردهم و اوایل سده پانزدهم میلادی در شرق و غرب مشهور بود.

در سال ۱۹۹۶، انسان‌های آزاداندیش جهان، با احترامات ویژه‌ای، ششصد

و شصتمین سالروز تولد صاحب قران امیر تیمور را برگزار نمودند. منجمله، برگزاری کنفرانس علمی زیرعنوان (رونق علم و فن، فرهنگ و آموزش در دوران تیموریان) در آوریل سال ۱۹۹۶ در مقر یونسکو واقع در مرکز اروپا (پاریس) که مدت یک هفته ادامه داشت، قدردانی عالی از دست‌آوردهای علم و فن، هنر و فرهنگ بود که خلق ازبیک در طول هزارها سال به وجود آورده است.

امیر تیمور به ظلم ۱۵۰ ساله استیلاگران به سرکردگی چنگیزخان پایان داده، کلیه خلق‌های آسیای مرکزی را متحد ساخته، در غرب از آسیای صغیر، در شرق تا دیوار چین، در شمال تا دشت قبیچاق و در جنوب تا خلیج فارس، دولت کبیر و مستقل اسلامی عادل و متمرکز را تأسیس کرد.

چون‌واژه‌های (راستی - رستی) شعار اساسی دولت امیر تیمور بود، نه فقط بر رشد و گسترش علم و فن، فرهنگ، معماری و هنر کشورهای آسیای مرکزی بلکه دیگر کشورهای جهان تأثیر مثبت وارد ساخته است. از این روزمانی ارتورپاوپ دانشمند هنرشناس گفته است:

«هنگامیکه اروپا هنوز در خواب بود، اهل دانش اسلام، نصف گیتی را با پرتو دانش و عرفان دربر گرفته بودند.»

احتمال می‌رود که این دانشمند، هنر و تمدن دوره امیر تیمور و خاندان او را در نظر داشته باشد.

ف.ر. مرتین، هنرشناس سویدنی به این نتیجه رسیده است که:

«مطالعه نمونه‌های هنرهای تصویری متعلق به دوره امیر تیمور، نشان می‌دهد که هنر این دوره، نه تنها دست‌آورد بزرگ تمام آسیا، بلکه هنر جهان نیز می‌باشد و حکمرانان دیگر، متوجه ارج گذاشتن به هنر مثل تیموریان، در آسیای مرکزی نبوده‌اند.»

هر ملت، (بزرگ یا کوچک)، نقش تاریخی و سهم خویش را در تمدن جهان دارد. اما خلق ما در دوران تبدیل شدن به مستعمره امپراتوری روسیه و شوروی، از

تاریخ پرافتخار خویش در گذشته دور، از ادای دین خود در پیشرفت تمدن جهان و از احساسات افتخار باقهرمانان ملی، محروم ساخته شده بود.

برای نابودی یک ملت، حتمی نیست که جسماً از بین برده شود، بل، محروم ساختن آن ملت از امکانات دانستن تاریخ و فرهنگ و مطالعه و خواندن زبان خویش، کافی است.

در گذشته همینطور شد. لب به سخن گشودن درباره دوره تیمور و تیموریان ممنوع بود.

اکنون، وضعیت کاملاً دیگرگون شده است. ازبکستان بعد از کسب استقلال خویش، امکانات مطالعه گسترده تاریخ و احیای ارزش‌های ملی خود و تبلیغ وسیع آن را در میان توده‌های مردم، با وسعت هرچه زیادتر پیدا کرده است.

بدین سبب اگر چنگیزخان برای خلق‌های مغول، ناپلیون برای فرانسه، ایوان‌گروزی و پتر اول برای روسیه به مثابه سرکرده‌های عظیم و قهرمانان ملی که نقش‌های مهمی در تاریخ ایفا کرده‌اند، به شمار می‌رفته‌اند، امیر تیمور نیز شخصیت بزرگ تاریخی در راه متحد ساختن آسیای مرکزی و رونق علم و فرهنگ در اینجا و محرک پیشرفت تاریخی می‌باشد.

آثار نظام‌الدین شامی و شرف‌الدین علی یزدی (ظفرنامه) که درباره تیمور و خاندان او در دوره آنها و بعد از آن نوشته شده است، از لحاظ غنی بودن دلایل برارزش تاریخی، اهمیت مهم و ویژه‌ای دارد.

در آثار حافظ ابرو، تاریخ دان و نژادشناس (زبدة التواریخ بایستغری)، ابن عرب شاه (عجایب سرنوشت در اخبار راجع به تیمور) که درباره امیر تیمور و دوره او نوشته شده است، (مطلع السعیدین و مجمع البحرین) از عبدالرزاق سمرقندی و در آثار دیگر، درباره چگونگی تاریخ اجتماعی و سیاسی تیمور و دوران تیموریان و لشکرکشی‌های ظفرمندان وی، اطلاعات مبسوطی ارائه گردیده است. ولی در هیچ یک از آنها اطلاعات مربوط به سیاست اقتصادی امیر تیمور و سیاست پولی -

مالی وجود ندارد. بدون مطالعه و پژوهش سیاست اقتصادی پولی - مالی امیر تیمور، نمی‌توان تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این دوره را به گونه گسترده تشریح و بیان نمود.

سکه‌ها، در مطالعه چگونگی وضع اقتصادی همین نظام اجتماعی و سیاست پولی - مالی، منابع کتبی تاریخی، مهم می‌باشند. در عین حال، آنها سند حقیقی که در تعیین نمودن روابط اقتصادی - تجارتي گذشته در تاریخ، وقایع تاریخی، سالنامه‌های تاریخ خاندان‌ها و نامهای ثبت نشده حکمرانان در منابع کتبی و سال‌های آنها، اطلاعات تاریخی پرارزش را می‌دهند، به شمار می‌روند.

رساله حاضر، به نام (سیاست پولی - مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آنها) براساس کلکسیون‌های شماره H-21، H-47، H-154 که در شعبه سکه‌شناسی موزه دولتی تاریخ ازبکستان حفظ می‌شود و همچنین براساس پولهای نقره‌ای و مسی امیر تیمور و بازماندگان وی در داخل دو دفینه کشف شده که مربوط به اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم بود، تهیه گردیده است. یکی از همین دفینه‌ها در ماه نوامبر سال ۱۹۶۵ در روستای (دوکند) نزدیک شهر «انگرن» ولایت تاشکند کشف شده است که عبارت از ۶۹ دانه تنگه و ۲۶۲ دانه میری می‌باشد.

دفینه دوم در ۳ اوت سال ۱۹۸۹ از طرف «ا. مومن اف» و «ا. کنجایف»، رانندگان بولدوزر که اراضی بین روستاهای تَرَک و چغتای مربوط بخش یکه‌باغ استان قشقه‌دریا را هموار می‌ساختند، کشف شده بود. مدیر شعبه دارایی با هیچ کس مشورت نکرده، مقدار اساسی این دفینه را مستقیماً به گنجینه حفظ اشیای قیمتی در مسکو، اتحاد شوروی سابق فرستاده است که تا هم‌اکنون در آنجا نگهداری می‌شود.

دفینه یادشده، نزدیک به دو پوت یعنی ۳۱ کیلو بوده، یک مقدار آن دست به دست شده و پخش گردیده بود. بعد از رسیدن این خبر به ما، در نتیجه سعی و کوشش مؤلف همین سطور و «ا. موسی قایف» از کارمندان شعبه سکه‌شناسی

موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۱۱۲۹ دانه سکه نقره‌ای از اهالی آن منطقه جمع‌آوری و به بخش سکه‌شناسی موزه تسلیم داده شد. دفینه مذکور نیز از دو نرخ مقرر سکه‌ها عبارت بوده، دارای ۵۷۵ دانه «مهرین» و ۵۵۴ دانه تنگه می‌باشد.

(مری‌ها) بیشتر در سمرقند در سالهای 782/1380 و 808/1405 ضرب شده و دارای ۵۶۲ دانه و مهرینهای ضرب شده در خوارزم در سالهای 791/1388 و 807/1404، ۱۱ دانه و در شهر مردین ضرب شده، دو دانه مهرین می‌باشند و سنه آن، پاک شده است، به جز چند دانه تنگه ضرب خوارزم بعد از سالهای 1388، همه آنها در خراسان، ایران و در شهرهای بزرگ آن دوره عراق و استرآباد، بغداد، بامیان، هرات، اصفهان، کرمان، قم، مردین، مشهد، و شهرهای دیگر، در سالهای مختلف ضرب شده‌اند.

سکه‌های خیلی نایاب که در موزه دولتی تاریخ ازبکستان حفظ می‌شود، شامل فهرست ریز رساله بوده و درباره سکه‌های تیمور و خاندان او بحث می‌کند. این اثر برای سکه‌شناسان، باستانشناسان، مؤرخین، هنرشناسان و خوانندگان علاقه‌مند تاریخ تیمور و دوران تیموریان تخصیص یافته است.

۱- اوضاع تاریخی در آسیای مرکزی

پیش از روی کار آمدن تیمور

چنگیزخان قسمت بزرگ آسیا - در شرق از اقیانوس آرام تا اورال و یک قسمت مناطق جنوب روسیه - را اشغال نموده و امپراتوری مغول را پایه گذاری کرد. اما گروه های مختلف نژادی و مذهبی را در چنین حدود وسیع نمی توانست از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اداری یک امپراتوری، متمرکز ساخته، اداره کند. از این رو، ایلاچوتسای، مشاور چنگیزخان گفته بود:

«سوار اسب شده، می توان تمام دنیا را ضبط کرد، ولی از اسب پایین

نیامده، نمی توان این مناطق را اداره کرد.»

چنگیزخان هنگام زندگانی خود، این مناطق ضبط و اشغال شده را بین چهار پسر خود تقسیم کرده بود.^۱

برای پسر اولش (جوچی) از کشتزارهای دشت قبیچاق در شمال آسیای میانه تا غرب کوه اورال و حدود بزرگ جنوب روسیه تقسیم شده و بعد از فوت جوچی، پسر وی (باتوخان) در این مناطق خان نشینی «آلتون ارده» ای کبیر را پایه گذاری نمود.

۱. چنگیزخان در سال ۱۲۲۷م. هنگام جنگ علیه تنغوت های شمال مغلستان، فوت کرده است.

برای «چغتای» پسر دوم چنگیز تمام آسیای میانه، مناطق تا سواحل راست آمودریا، استان ایتتی‌سو و یک قسمت مناطق در شمال و جنوب کوه تیان‌شان در ترکستان شرقی تقسیم شده و بعدها این مناطق، خان‌نشینی چغتای و یا الوس چغتای نامیده شده است.

برای پسر سوم چنگیز (أغتای) اراضی غرب مغلستان کنونی: از بایکال تا دریاچه بالخاش حدود بزرگ چراگاه‌ها در آلتای و شمال تریغاتای تقسیم شده بود.

برای پسر کوچک چنگیز (تولی) قسمت مرکزی خاقانی: (زمین‌های شمال مغلستان و چین) داده شد. کُبلِی، پسر دوم تولی در سال ۱۲۶۰ بعد از نشستن بر تخت خانی، به سوی جنوب چین لشکرکشی نموده و تخمیناً تمام چین را اشغال کرد. در این مناطق در سال ۱۲۷۱ در تاریخ چین، یک خاندان جدید را به نام «یوان» پایه‌گذاری نمود و این خاندان در سال ۱۳۶۸ به خاندان «مین» تبدیل شد.

در آغاز در آسیای میانه، ایتتی‌سو و ترکستان شرقی که در آنجا پسر دوم چنگیزخان، حکمرانی کرده بود، گرچه وقایع تاریخی قابل گفتاری وجود نداشته است، ولی بعدها حوادث عظیمی که در سرنوشت خلق‌های ساکن آن مناطق بزرگترین نقش را ایفا کرده است، به وقوع پیوسته بود.

در سال ۱۲۶۸ قیدو (نبیره‌أغتای) در سرزمین وسیعی که برای أغتای و چغتای داده شده بود یعنی در شمال و جنوب تیان‌شان، ایتتی‌سو، در آسیای میانه حکمرانی را برقرار ساخت.

در سال ۱۳۰۱ بعد از مرگ قیدو، به جای وی «دوه‌خان» به قدرت رسید. پس از فوت دوه‌خان در سال ۱۳۰۶، اسمبغا، پسر بزرگ او روی کار آمد.

بعد از روی کارآمدن قانونی اسمبغا، برادر کوچک وی (کپک‌خان)، به مقصد تحکیم خان‌نشینی چغتای یک سلسله اصلاحات اقتصادی و اداری را به راه انداخته و مبتکر انتقال پایتخت خانی از مرتع به مناطق زراعتی شد و در نتیجه

شالوده شهر کنونی «قرشی» را ریخت و آنرا مرکز خان‌نشین چغتای تعیین کرد. ولی بعد از مخالفت یک عده اشرافی نظامی مغول که گویا رسوم و سنن اجدادشان نقض شده است، اسمبغا از ماوراءالنهر نقل مکان نموده و منطقه آملیق^۱ در ساحل رود ایللی را به عنوان پایتخت خود تعیین کرد.

کپک‌خان که خان‌نشین اسمبغا را ایجاد کرده بود، در ماوراءالنهر ماند. این خانی که خان‌نشین واحد کل چغتای نامیده می‌شد، به دو خانی تقسیم گردید. در منابع مهم عرب و فارس، کپک‌خان به نام خان‌نشین غربی چغتای و اسمبغا به نام خان‌نشین شرقی چغتای یاد می‌شد.

کپک‌خان، اصلاحات پولی را در آسیای میانه از سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۶ انجام داد و در آنجا در تنظیم یگانه نمودن سیستم پول، از سیستم پولی خان‌های «آلتون ارده» و هولگوهای ایران استفاده نمود. پول نقره‌ای (۸/۸ گرام) به وزن دو مثقال را به نام دینار و سه بریک بخش (۱/۵ گرام) مثقال را به نام درهم (درم) رایج ساخت. بعدها این پول‌ها، به نام کپک‌خان، پول کپک یاد شدند.^۲

بعد از درگذشت برادران اسمبغا و کپک‌خان (کپک در سال ۱۳۲۶ و اسمبغا در سال ۱۳۳۰) عبارت «خان‌نشین شرقی و غربی چغتای» به صورت رسمی به کار رفته و در میان آنها جنگ و جدال‌ها روز به روز شدت یافته است.

تغلق تیمور پسر اسمبغا، در سال ۱۳۴۶ قدرت خان‌نشین چغتای شرقی را به دست گرفت. وی، بعد از به دست آوردن قدرت، نخست، دین اسلام را پذیرفت و اخلاف چغتای را نیز برای پذیرفتن دین اسلام تشویق نمود. بعدها در

۱. آملیق شهر قدیمی بوده و در ساحل راست رود ایللی ترکستان شرقی یعنی تخمیناً ۹۰ کیلومتری شمال غرب شهر غلجه واقع است.

۲. بعضی پژوهشگران می‌گویند که واژه روسی «کپیک» با نام کپک خان ارتباط دارد. برای کسب اطلاعات مفصل درین باره مراجعه شود به: ا.ک. مارکف. سکه‌شناسی روسی. پتروگراد، ۱۹۱۶ ص ۲۵-۲۴. م.ای. مسان. دینار کپیک. نشریات اکادمی علوم ترکمنستان، سال ۱۹۷۲. شماره ۴. ص ۳۵. و.و. برتالد. منتخبات. بخش دوم. مسکو ۱۹۶۴. ص ۵۴۳.

متحد نمودن خان نشین شرقی و غربی چغتای کوشش نمود.

در این دوره، اوضاع تاریخی در خان نشین چغتای غربی (ماوراءالنهر) چگونه بود؟ بعد از فوت کپک خان، پراکندگی فیودالی و جنگ های مابینی که مدت ها در کشور دوام می کرد، ادامه داشت. ترمه شیرین خان (۱۳۳۴-۱۳۲۶) که می خواست اصلاحات کپک خان را ادامه دهد، کشته شد. بعد از وی در ماوراءالنهر تا زمان روی کار آمدن قازان خان (۱۳۴۶-۱۳۳۸) پنج نفر خان تبدیل شدند.

قازان خان در ماوراءالنهر گرچه برای تحکیم قدرت خود تلاش هایی به خرج داده است، ولی با مقاومت شدید بک های طوایف دیگر روبه رو شد. امیر قزه غن یکی از سران طوایف، عصیان را علیه خان به راه انداخته، در بهار سال ۱۳۴۶ میلادی قازان خان را به قتل رسانده و «دانشمندچه» (۱۳۴۸-۱۳۴۶) را که از خانواده خودش بود، بر تخت قرار داد. اما مدت زیادی نگذشته بود که از چنگیزی ها، بیانقولی خان (۱۳۵۷-۱۳۴۸) را بر تخت نشانده و در عمل، خود قزه غن زمام امور دولت را به دست گرفت.

قزه غن هنگام شکار، در زمستان سال ۱۳۵۸ کشته شد. بعد از آن بیان سلدس، حکمران ولایت خسار، و حاجی برلاس حکمران کش (شهرسبز) با هم دیگر علیه بیانقولی خان برخاستند و خانی که در جنگ نزدیک سمرقند دستگیر شده بود به قتل رسانیده شد. تیمورشاه که از طرف بیان سلدس و حاجی برلاس بر تخت نشانده شده بود، همه اش دو سال (۱۳۵۹-۱۳۵۸) حکمرانی کرد. پس از این، الوس چغتای غربی یکی پس از دیگری خود را غیروابسته اعلان نموده و به بک نشین های کوچک زیاد متفرق شده و آنها بین خود جنگ های خونین نمودند.

تغلق تیمور، خان مغلستان (ترکستان شرقی) از چنین وضع سیاسی در ماوراءالنهر استفاده نموده، به قصد الحاق چغتای غربی (ترکستان غربی) به خود، دوبار (سال ۱۳۶۰ و سال ۱۳۶۱) به ماوراءالنهر لشکرکشی نمود.

گرچه در سال ۱۳۶۰ تغلق تیمور به آمودریا و سیردریا حمله برد، ولی در نتیجه

عصیان و بی‌نظمی‌ها در خود مغلستان (ترکستان شرقی) مجبور به بازگشت شد. تغلق تیمور در سال ۱۳۶۱ بار دیگر به بین‌النهرین لشکر کشید. در این وقت، حکمران ولایت کش، حاجی برلاس عموی امیر تیمور بود. وی با رسیدن تغلق تیمور، این مناطق را به کنار گذاشته، به خراسان فرار نمود. چون امیر تیمور، استفاده از چنین وضع بحرانی را خوب دانسته و زیاد نیندیشده، عزم کرد به حضور تغلق تیمور برود و شامل خدمت وی شود. به عوض آن تغلق تیمور زمان بازگشت به مقر خود، وی را حکمران ولایت کش نصب کرد. امیر تیمور بعدها این عمل خود را این‌گونه تشریح می‌کند:

«به تجربه من رسید که یک تدبیر درست کار صد هزار سوار می‌کند.^۱» امیر تیمور بن ترغی در سال ۷۳۶ هجری (سال ۱۳۳۶ میلادی، ۹ آوریل) در قصبه حاجی‌الغار نزدیک شهر سبز (کش) چشم به دنیا گشود و اکنون این قصبه مربوط بخش یک‌ه‌باغ می‌باشد. چون ترغی پدر وی از «بیک»‌های با نفوذ طایفه برلاس بود، به قرولتای (مجلس) که یک بار در هر سال در شهر آلملیق کنار رود ایلی از طرف خان ترتیب داده می‌شد، دعوت می‌گردید. وی یک انسان مذهبی بود و با مشایخ تماس نزدیک داشت، به‌ویژه پیر تصوف شیخ شمس‌الدین کلال را مورد احترام عمیق خود قرار می‌داد. بعدها شیخ کلال، پیر امیر تیمور نیز شد. ترغی بیک در سال ۱۳۶۰ درگذشت و در شهر کش به خاک سپرده شد. تکیه خاتون، مادر امیر تیمور نیز از زنان عاجز بود.

در پاییز سال ۱۳۶۲ تغلق تیمور خان، ماوراءالنهر را به دست پسر خود (الیاس خواجه) سپرده و هنگام بازگشت به مقر مغلستان (ترکستان شرقی)، برای انجام کمک و یاری به پسرش، امیر تیمور را تعیین کرده بود. و از آن جایی که امیر تیمور با الیاس خواجه نتوانست سازش پیدا کند مجبور به ترک سمرقند شد. تیمور، علت

۱. تزوک تیموری، دست‌نویس انستیتوت خاورشناسی اکادمی علوم جمهوری ازبکستان. شماره ثبت

آنها چنین نوشت:

«الیاس خواجه از سلطنت بهره نداشت و در منع ظلم و تعدی ایشان عاجز بود. من از روی سطوت... مظلومان را از دست ظالمان رها ساختم و این معنی سبب عناد امرای الیاس خواجه شد. در علاج آن چنین تدبیر کردم که جوانان بهادر الوس برلاس را به گرد خود جمع آورم و ایشان را به خود متفق سازم.»^۱

در این موقع (سال ۱۳۶۳) تغلق تیمور ناگهان فوت می‌کند. الیاس خواجه با شتاب زدگی، سمرقند را ترک گفته، جهت نشستن بر تخت، عازم آملیق می‌شود. به محض عزیمت الیاس خواجه از سمرقند، امیر تیمور با حسین (نیزه امیر قزغنه) برادر بزرگ زنش که قلعه بلخ را اشغال کرده بود، توافق می‌کند. در سال ۱۳۶۲ در جنگ‌هایی که در سیستان به وقوع پیوسته بود، دست راست و پای راست امیر تیمور سخت زخمی می‌شود، و چون پای راست وی برای ابد لنگ شده بود، در ادبیات تاریخی به نام «تیمور لنگ» مشهور شده است.

الیاس خواجه پسر تغلق تیمور در ماه مه سال ۱۳۶۵ برای الحاق دوباره ماوراءالنهر به تاشکند لشکر کشید. بین قشون‌ها به سرکردگی امیر تیمور و حسین و قشون الیاس خواجه، در منطقه بین تاشکند و چناز، جنگ خونین درگرفت. در موقع جنگ، باران سیل آسا بارید و همه سپاه و اسب‌ها در باتلاق غرق شدند، از این لحاظ، مؤرخین، این جنگ را به نام «جنگ لای» یاد می‌کنند.

در این جنگ قشون تیمور بیک دلیرانه نبرد را ادامه دادند، در نتیجه عدم قاطعیت حسین و نیروهای وی، آنها برای حفظ نیروی قشون خویش مجبور به عقب‌نشینی به پشت سیردریا شدند.

بعد از آن، امیر تیمور و امیر حسین با قشون خود، نخست به سمرقند و سپس به جنوب، به کنار آمودریا عقب‌نشینی نموده و در قلعه بلخ متوقف شدند. برای قشون

الیاس خواجه، اینک راه به سوی سمرقند باز شده بود ولی قشون وی نتوانستند وارد سمرقند شوند. زیرا که در اینجا مردم بر ضد مغولها برخاسته و برای دفاع از شهر، عزم قاطع نموده، از پیشوایان جنبش «سربداران» سمرقند مانند مدرس مولانزاده، پیشهور (کلافه) ابوبکر کلاوی و خردک بخاری (یکی از موسفیدان و بزرگان شهر)، رهبری را به دوش داشتند. آنها همه خلق سمرقند را برانگیخته و می‌گفتند که:

«ما ظلم مغولها را از بین خواهیم برد و یا در این راه برای قربانی خویش، راضی به دارزدن هستیم.»
و بدین سبب خود را (سربه‌داران) نامیده‌اند.

الیاس خواجه هرچند کوشش نمود تا شهر همجوار را ضبط کند، ولی نتوانست و تلفات بی‌نهایت زیاد دید. افزون بر این، اسب‌های او از بین رفتند. او در چنین شرایط با قشون خویش مجبور به ترک گفتن سمرقند و عقب‌نشینی گردید.
چون اطلاع درباره پیروزی (سربه‌داران) به امیر تیمور رسید، امیر تیمور فوراً با حسین ملاقات نموده و توافق کرد که در فصل بهار سال آینده (یعنی سال ۱۳۶۶ م.) به ماوراءالنهر لشکرکشی نمایند و تا آن زمان جهت جمع‌آوری نیرو و انجام تمام کارهای تدارکاتی مبادرت ورزند.

در حالیکه امیر تیمور و حسین، در صدد استفاده از قیام (سربه‌داران) به نفع خویش بودند، از قلعه بلخ بیرون شده و به حوالی سمرقند آمده و اظهار آرزوی ملاقات با رهبران آنها را کردند. رهبران (سربه‌داران) به آنها و وعده‌های آنها باور کرده و زمانی به مقر امیر تیمور و حسین در کان‌گل آمدند، امرادر آغاز ایشان را عزت و اکرام نمودند، ولی روز دیگر، رهبران (سربه‌داران) ناگهان محکوم به جزا شده، ابوبکر و خردک بخاری به دار زده شدند. اما امیر تیمور در صدد استفاده برای مقاصد بزرگ آینده خویش، جان مولانزاده را نجات داد.

چندی بعد در بین امرایی که از جنبش (سربه‌داران) استفاده نموده، قدرت

سمرقند را به دست آورده بودند، نزاع پیدا شد. حرص امیرحسین و حيله و نیرنگ‌های مختلف وی جهت کسب استقلاله قدرت، باعث تیرگی مناسبات بین امیر تیمور و حسین شده، روابط دوستی و خویشاوندی^۱ میان آنها قطع گردیده و جای آن را دشمنی گرفته بود.

بعد از این، امیرحسین با قشون خویش از سمرقند رفته و بلخ را مرکز حکومت خود ساخت. از اوایل سال ۱۳۶۷ تا بهار سال ۱۳۷۰ میلادی چندین بار، علیه قشون امیر تیمور جنگ‌های خونینی انجام داد. برخورد اساسی بین این دو امیر، در آوریل سال ۱۳۷۰ در نزدیک بلخ به وقوع پیوست و حسین را که در جنگ شکست خورده بود، دست بسته به حضور امیر تیمور آوردند.

امیر تیمور حسین را بخشید، ولی بیک‌ها که مکاری حسین را خوب می‌دانستند، راضی نشدند. چون اگر حسین نجات می‌یافت، می‌توانست باز هم سپاهی جمع‌آوری و فتنه بپا دازد. کیخسرو حکمران خُتتلان تقاضای انتقام خونین برادر کوچکش را که از طرف حسین در سال ۱۳۶۰ کشته شده بود، نمود، لذا حسین را اعدام کردند.

امیر تیمور، در این باره نوشته است:

«به تجربه رسید که دشمن عاقل، بهتر از دوست جاهل می‌باشد. چنانچه امیرحسین نبیره قزه‌غن از دوستان جاهل بود، آنچه از روی دوستی به من کرد، هیچ دشمن در دشمنی نکند. امیرخداداد به من گفت که دشمن را چون لعل و جواهر نگاه دار و چون به لایخی برسی، چنانش بر سنگ زن که اثری از وی نماند. اگر دشمن مروت و احسان دیده، دیگر باره بر سر دشمنی رود، ویرا به پروردگار بسپار و دوست آن است که از دوست نرنجد و اگر برنجد، عذرپذیر باشد.»^۲

۱. در سال ۱۳۶۶ زن امیر تیمور، (خواهر حسین، الجی ترکان آقه) فوت کرده بود.

۲. تزوک تیموری، ص ۷۷.

امیر تیمور پس از آن که سرای ملک خانم، دختر قازان خان را که از اخلاف چغتای و از زنان حسین بود، به عقد نکاح خود درآورد، لقب پرافتخار «کورگان» یعنی «داماد» را بر نام خود افزود. زیرا که در آن دوران، هر امیری که با اخلاف چنگیز خان مستقیماً ارتباط نداشته، ولی مدعی قدرت بود، کوشش می کرد با دختر یکی از خان ها ازدواج کند. در بهار سال ۱۳۷۰ م (۱۰ آوریل) کلیه بیک های الوس چغتای در شهر بلخ جمع شده و کار قرولتای را افتتاح نمودند. در ضمن کار آن امیر تیمور کورگانی به حیث حکمفرای مطلق ماوراء النهر اعلان شد.

۲- سیاست پولی - مالی امیر تیمور و سکه‌های وی

بعد از آنکه امیر تیمور حکمفرمای مطلق ماوراءالنهر شد، صلح، وحدت، برقراری و آرامی که از مدت‌های قدیم آرزوی خلق‌های ساکن این منطقه بود، به وجود آمد. امیر تیمور، پس از این که به قدرت رسید، سمرقند را پایتخت خود تعیین نموده و به ساختن قلعه دیواری شهر، دربار و بازسازی بناهای خراب شده پرداخت. قبل از رسیدن امیر تیمور به تخت سلطنت ماوراءالنهر، چون اراضی و مرزهای تحت حکمرانی خان و بیک‌های چغتای دقیقاً تعیین نشده بود، در دوره روی کار آمدن امیر تیمور، گرچه علیه وی مدعی‌های مخفی و علنی به تخت سلطنت، پیدا شدند لیکن خود امیر تیمور، این مسأله را به زودی و طور قاطع حل و فصل کرد. امیر تیمور در سال ۱۳۸۰ میلادی پنج بار به جته (ترکستان شرقی) و چهار بار به خوارزم لشکر کشید و مسایلی را که مربوط به این قسمت‌های آسیای مرکزی بود، تا حدی حل نمود. در آن زمان فقط الوس هوالگو یعنی خراسان و زمین‌های ایران بدون تسخیر مانده بود.

امیر تیمور در تزوک‌های خویش نوشته است:

«چون خدا یکست و لاشریک له است، پس کدخدای ملک وی تعالی

و تقدس هم باید که یکی باشد.^۱

شرف‌الدین علی یزدی نوشته است:

«در آن روزگار، به ایران زمین در هر مملکتی طایفه‌ای خروج کرده بودند و اساس سلطنت انداخته و... آنحضرت از تسخیر و ضبط ممالک توران پرداخت و تمام الوس جغتای والوس جوجی را در تحت تصرف گماشتگان کامیابش گرفت، روی عزم قضا امضا به عزم تسخیر ایران آورد.^۲»

بدین ترتیب، لشکرکشی‌های امیر تیمور به خراسان و ایران به قصد جهان‌گیری و اشغالگری وی نبود بلکه می‌خواست بخشهای تقسیم شده بین حکومت‌های کوچک محل را تحت نفوذ و اداره حکومت خود درآورده و مردم آن مناطق را از ظلم حاکمان، برهاند تا در صلح و آرامش به سر ببرند.

امیر تیمور ۲۷ کشور جهان را مرحله به مرحله داخل دولت خود نموده و آنها را مانند دولت یگانه متحد ساخت و سیستم اقتصاد و دارایی آنها را تکمیل نمود.

امیر تیمور زمانی درباره شیوه‌های اداره کردن از لحاظ اقتصادی این سرزمین‌ها می‌اندیشید، در مورد مسایل به وجود آمدن درآمد عمومی سالانه و پرداخت مالیه به خزانه دولت و مطالب دیگری فکر می‌کرد و آنها را با نصایح و توصیه‌های شرعی، باتجارب پادشاهان پیشین مقایسه و به نتیجه‌گیری‌های معین می‌رسید.

امیر تیمور در تزوک خود درباره اهمیت مهم استواری اقتصاد برای هر مملکت، تأکید نموده و نوشته است:

«دولت (و) سلطنت، به ملک و خزانه و لشکر قایم باشد.^۳»

«کامل‌الوزارت، وزیری باشد که رتق و فتق معاملات و امور ملکی

۱. تزوک تیموری... همان اثر، ص ۲۲.

۲. شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تهیه و تنظیم از عصام‌الدین اورونبایوف. تاشکند، سال ۱۹۷۲، ص ۱۶۴.

۳. تزوک تیموری ص ۶۲.

و مالی را از روی نیکی و نیکدانی و حسن سلوک صورت دهد^۱.
در همین تزوک افزوده است:

«هر وزیری که از راه سلامتی نفس و راستی با هر وزارت قیام نماید و امور ملکی و مالی را از راه صواب و دیانت و امانت پرداخت کند، ویرا به مراتب عالیه رسانند و وزیری که از شرارت و بد نفسی معاملات را انجام دهد، زود باشد که خیر و برکت از آن سلطنت برخیزد^۲.
امیر تیمور به مقصد تکمیل سیاست مالی مستقل دولت، امور مالی تمام کشورهای تحت سلطنت خود را در یک سیستم متحد ساخت و شیوه‌های اداره کردن آنها را بر اساس تقاضای رهبری اداری به کار بست.

اگر در اروپا اولین ساختار بودجه در انگلیستان و فرانسه (قرن هفدهم) بوده باشد، در سلطنت امیر تیمور، سه قرن پیش از آن، در اجرای امور مملکت اساس اولیه بودجه تهیه و به کار انداخته شده است.

در تاریخ نظام دولتی ازبیک، قبل از امیر تیمور، از قدیم الایام در اداره امور خزانه، نظم و ترتیب مندرج «سیاست‌نامه» نظام‌الملک، وزیر مشهور خاندان سلجوقی‌ها به کار گرفته می‌شد.

اگر به زبان امروزی گفته شود: خزانه در اختیار دولت از دو بنیاد (ذخیره) متشکل بود. اولش - خزانه اساسی بوده و در آن، در طی سال‌های متمادی مرواریدهای ارثی نسل به نسل نگهداری می‌شد. بنیاد دوم برای مصارف جاری تخصیص داده شده بود و اگر مبلغی برای آن کمبود می‌کرد، از بنیاد اول «قرض» گرفته می‌شد. در طی سال‌ها وضع خزانه تغییر می‌کرد و بعضی اوقات کمبودی احساس شده و برای اكمال آن مالیات و باج‌های اضافی به کار انداخته می‌شد^۳.

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان.

۳. امیر تیمور در تاریخ جهان. تاشکند. سال ۱۹۹۶. ص ۸۸.

امیر تیمور در تزوک خویش تأکید می‌کرد:

«امر نمودم که مال و خراج از رعیت نهجی بگیرند که موجب خرابی رعیت و ویرانی مملکت نشود که خرابی رعیت موجب کمی خزانه است و کمی خزانه باعث تفرقه سپاه است و تفرقه سپاه، موجب اختلال مرتبه سلطنت است.^۱»

جای شک نیست که در آن دوران، درآمد اساسی ملی از کشاورزی به دست می‌آمد. وی در تزوک نوشته است:

«و امر نمودم که هر مملکتی که مسخر گردد و از حوادث درامن و امان درآید، حاصل و واصل آن ملک را ملاحظه نمایند. اگر رعایا به جمع قدیم راضی باشند، به رضای ایشان عمل نمایند و الا موافق تزوک جمع بریندند. امر نمودم که خراج موافق حاصل زراعت بگیرند و جمع بر حاصل زمین بریندند. و اگر رعایا ادای اراضی مضبوطه به نقدی راضی باشد آنچه غله حصه سرکار را موافق نرخ وقت نقدی بر رعیت قرار دهند.^۲»

سیاست اقتصادی که امیر تیمور در سلطنت خود به کار انداخته بود، به ویژه گسترش سیستم پولی - مالی آن، تأثیر قوی در جریان رشد اقتصادی مملکت داشته و در رشد و توسعه نیروهای مولده، در گسترش تجارت در بازار داخلی و خارجی نیز تأثیر زیادی داشته است، یکی از عوامل اساسی بود.

با وجود آنکه نقش پول در اقتصاد جامعه روز به روز افزایش می‌یافت، خود جمع خراج موافق حاصل زراعت به گونه نقدی، مهمترین دلیل نشان دهنده گسترش نطفه‌های مناسبات سرمایه‌داری در این کشور است.

در این دوران، به طور عمده از دو نوع مالیه مربوط به زراعت یعنی «خراج»

۱. تزوک تیموری، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۸۴ و ۸۵.

و «عشر» استفاده می‌کردند غیر از آن، بازرگانان و اهل کسبه تمغا و زکات پرداخته‌اند، از حساب اموال انتقال شده از مرز نیز باج گرفته می‌شد. همه اینها منبع اساسی خزانة دولت به شمار می‌رفت.

به جز مالیاتی که از آن یاد کردیم، درآمدهای عاری از مالیات نیز موجود بود: مثلاً، استخراج فلزات نادر مانند طلا، نقره و فروش آنها، ضرب سکه‌ها. اموال بدون وارث باقی مانده از اشخاص فاقد الاثر، جرایم مختلف و سوغات نیز وارد خزانة دولت می‌شد. امیر تیمور مردم را از انواع مختلف مالیات از قبیل سرشماری و خانه‌شماری که قبل از وی موجود بود، آزاد کرد.

امیر تیمور در تزوک خود نوشت:

«وزیر کارخانه‌های سلطنت که از مداخل و مخارج و جمع خراج خزانة و دواب آگاه باشد... و امر نمودم که به هر کارخانه از کارخانه‌های سلطنت تعیین نمایند که خرجات و مداخل و مخارج یومیہ را نوشته باشد.^۱»

در دوران امیر تیمور، در بودجه، نه فقط عواید و مصارف، ثبت شده است، بلکه مقدار مداخل و مخارج در نظر گرفته شده، برای سال مالی آینده نیز طرح‌ریزی می‌شد. مصارف مرکزی و محل دولت را به طور عمده می‌توان قرار آتی جدا ساخت: مصارف عمومی حکومت و دربار، مخارج نظامی، برای امور لشکرکشی، آبادانی، علم، فن، فرهنگ، حفاظت اجتماعی و برای کارهای خیلی مهم دیگر.

در پرداخت حقوق برای کارمندان دولت، از بودجه کل کشور، از پول و یا از سیستم پرداخت جنس به جای پول استفاده به عمل آمده است. در تزوک تیموری آمده است:

«امر نمودم که علوفه امیرالامرا، ده برابر علوفه تابینان بوده باشد

و همچنان امر نمودم که علوفه دیوان بیگ و وزرا در برابر امیر باشد.^۱ «علوفه سپاه به بهای اسپ وی مقرر باشد و علوفه بهادران تا بهای چهار اسپ معین باشد.»^۲

در پرداخت حقوق به شکل مادی (به شکل جنسی - اسپ و یا گندم - حاصل زراعت) برای کارمندان دولتی از بودجه کل کشور با وجود آنکه نرخ در بازار بالا می رفت و یا پول بی ارزش می شد، به روزگار کارمندان دولتی بودجه ای، هیچ تأثیری به جای نمی گذاشت. این دلیل مهم نشان می داد که امیر تیمور نه فقط رجل بزرگ سیاسی دولتی، بلکه اصلاح طلب و اقتصاددان بزرگ نیز بوده است. تنظیم و برقراری نظارت مالی در دیوان مرکزی، و دیگر نواحی، تعیین مجازات نسبت به دزدان و سوء استفاده کنندگان از اموال دولت، یکی از نطفه های بودجه روبه پیدایش در دولت امیر تیمور بود. اگر مبلغ تصاحبی از اموال دولتی کدام کاردار از دو برابر حقوق وی تجاوز می کرد، این زیادتی از حقوق بعدی کسر می شد، اگر سه برابر زیاد می گردید همه آن از مجرم، واپس گرفته می شد.

مخارج حفاظت اجتماعی، یک جزء از مصارف سلطنت امیر تیمور بود. در تزوک تیموری پرداخت نفقه از حساب دولت برای فقیران، فلج ها و نابینایان که از انجام کار یا پیشه ای، عاجزاند، مکرراً تأکید می شود. امیر تیمور که در رشد اقتصاد کشور به نقش اشخاص کارفرما و صاحب تدبیر ارزش ویژه ای قایل بود، در تزوک خویش می گفت:

«و به تجربه من رسید که یک مرد کاردیده شجاع مردانه صاحب عزم و تدبیر و حزم، بهتر از هزار مرد بی تدبیر و حزم است چه یک مرد کاردیده، هزار هزار مرد را کار فرماید.»^۳

۱. همان اثر، ص ۵۶.

۲. همان اثر، ص ۵۶.

۳. همان اثر.

چون امیر تیمور می‌دانست که روابط اقتصادی بازرگانی بین‌المللی، در رشد و بالا بردن اقتصاد مالی دولت و سطح زندگی مردم، وسیله مهمی می‌باشد، به گسترش تجارت داخلی و خارجی توجه ویژه‌ای مبذول داشته، در سمرقند و شهرهای دیگر، بازارهای تجارتی مخصوص سرپوشیده یعنی چهارسوق، طاق، تیم، کاروان سراها احداث نموده و روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی شرق و غرب را باز هم تقویت و توسعه بخشید. در تزوک تیموری آمده است:

«تجاران را و قافله سالاران را تعیین نمودم که به هر ملک و به هر دیار رفته از ختا و ختن و چین و ماچین و هندوستان و بلاد عرب و مصر و شام و روم و جزایر فرنگ متاع نفیس و تحفه‌های لایق به جهت من بیاورند و احوال و اوضاع و اطواله متوطنان و سکنه آن دیار را به عرض من رسانند و سلوک حکام هر مملکتی را با رعایا به خاطر آورده، نمودار سازند.^۱»

امیر تیمور افزوده است:

«حکم کردم که هر تاجری که رأس المال را از دست داده باشد، به وی آنقدر زر دهند که باز رأس المال خویش سازد.^۲»

در دوران امیر تیمور، صلح و ثبات در ماوراءالنهر برای رشد اقتصادی شهرهای آنجا تأثیر مثبت به جا گذاشت یعنی امکانات را برای گسترش روابط بازرگانی میان شهر و روستاها فراهم ساخت، کسب و هنر که جهت نیازمندی بازار داخلی و خارجی کار می‌کرد، نیز گسترش یافت.

مهمترین تدابیری که امیر تیمور در سیاست پولی - مالی انجام داده است، سیاست پولی واحد می‌باشد که از طرف امیر تیمور در تمام حدود به نام خودش خطبه خوانده شده و ضرب شده است. در ضمن، سیاست پولی مظهر آن است که تمام

۱. همان اثر، ص ۵۳.

۲. همان اثر، ص ۵۳.

سلطنت از لحاظ سیاسی و اقتصادی، یک دولت واحد و یک پارچه نیز می‌باشد. چون تمام سکه‌های ضرب شده در دوران تیمور به مثابه اساسی‌ترین مسأله پرداخت یعنی واحد پول (ارز) در روابط تجارتی داخلی و خارجی دولت بوده است، این پول‌ها در تحکیم و بالا بردن و قدرت سیاسی و اقتصادی دولت بین‌المللی امیر تیمور به کار برده شده‌اند.

نظر به این که به سکه‌های دولت امیر تیمور تقاضا و نیاز خیلی زیاد بود، این پول‌ها نه فقط در شهرهای مرکزی ماوراءالنهر بلکه در خراسان، ایران، عراق و شهرهای استرآباد، استراره (اشپره)، باکو، بصره، بغداد، بامیان، دامغان، درین، یزد، اصفهان، قرشی، کاشان، کرمان، قم، میردین، محمودآباد، مشهد، ساوه، سمرقند، سلطانیه، تبریز، خوارزم، شبانکاره، شیراز، شماخی، شیخ ابواسحاق، هرات و تخمیناً در چهل شهر دیگر ضرب شده است.

امیر تیمور خوب می‌دانست که در سلطنت خیلی بزرگی که از سوی خودش، بنیان‌گذاری شده است، اداره نمودن امور پولی - مالی از یک مرکز دشوار می‌باشد و بدین سبب به حکومت‌های محلی به اذن حکومت مرکزی برای ضرب پول به نام تیمور اجازه داده بود.

ضرب این سکه‌ها با توجه خاص به وزن و خالص بودن طلا و نقره مطابق استاندارد تعیین شده دولتی، از طرف حکومت مورد نظارت دقیق قرار داده می‌شد. در عین زمان ظریف بود، به ویژه آرایش محلی این سکه‌ها حفظ شده است. در سکه‌های ضرب هرات، مشهد، اصفهان، تبریز و بغداد، این خصوصیات به گونه روشن و آشکار به چشم می‌خورد.

امیر تیمور، اولین سکه‌های خود را در سال‌های (۷-۱۳۷۲/۷۷۴) مطابق اندازه سکه‌های خانان چغتای، ضرب کرده بود، ولی در سالهای ۱۳۸۰ در نتیجه انجام اصلاحات پولی، سکه‌های طراز نوین را به نام خود ضرب نمود.

چون سکه‌های کهنه گردآوری و به خزینة اول سپرده شد، دوباره ذوب شده و از

آنها سکه‌های طراز نوین ضرب می‌شد، سکه‌های ضرب اول وی در دفینه‌ها کشف شده در مناطق مختلف، خیلی کم پیدا می‌شود. اگرچه در سلطنت امیر تیمور در سال‌های ۱۳۸۰ در سمرقند و خوارزم گاهی سکه‌های طلایی ضرب شده باشد، این سکه‌ها برای کلکسیونرهای سکه‌شناسی جهان، خیلی کمیاب و نادر به شمار می‌روند. ارزش سکه‌های نقره‌ای امیر تیمور، چنان بلند بوده است که ریوی گنزلس دی‌کلویخا سفیر کاستیلیا (اسپانیا) که در سال ۱۴۰۳ از قلمرو امیر تیمور دیدن نموده، نوشته است:

«این دیار (سمرقند) با گندم روغن میوه‌ها، و انواع گوشت و دیگر چیزها، خیلی غنی است. گوسفندان، دنبه بزرگ داشته و خیلی درشت می‌باشند. دنبه برخی از آنها در دست انسان به سختی بالا برده می‌شود که سنگینی آن در حدود نیم پوت (هشت تا ده) کیلوگرم می‌باشد. چنین گوسفندان پردنبه این قدر زیاد و ارزان بوده‌اند که در زمان جمع شدن لشکر شاه در سمرقند دو رأس این گونه گوسفندان یک دوکت (سکه قدیمی طلایی) قیمت داشت (یعنی تخمیناً ده تنگه - ع. توختیف) مواشی دیگر نیز همین قدر ارزان بوده‌اند که بهای یک فنگا و نیم (مقیاس وزن) جو نیم ریال بود.^۱ (یعنی یک کیسه جو تخمیناً یک میری - ع. توختیف)»

از همین مثال یگانه، مناسبات کالایی پولی در آن دوره چگونه بود و بلند بودن نفوذ و اعتبار سکه‌های طلایی، نقره‌ای و مس ضرب امیر تیمور، در داخل کشور و خارج از آن را می‌توان مشاهده نمود. سفیر کلویخا در خاطرات خویش افزوده است:

«در شهر سمرقند ستالانه انواع مختلف، مواشی که از چین،

۱. ریوی گنزلس دی‌کلویخا. یادداشت سفر به سرای امیر تیمور در سمرقند. مجله «صنعت» سال ۱۹۹۰ شماره ۶، ص ۲۲.

هندوستان، تاتارستان (دشت قبیاق) و از ممالک دیگر وارد می‌شد،

زیاد به فروش می‌رسد.»

چون تیمور، مستقیماً از اخلاف جنگیزخان نبوده است، خود را به نام «امیر» می‌خواند. از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۸ به نام «خان» دست‌نشاندهٔ سیورغتمش و پس از او به نام پسر وی محمودخان امور را پیش می‌برد. بر سکه‌های آنها نام خود را، افزوده و ضرب می‌کرد. در سال ۱۴۰۲ بعد از فوت محمودخان، دیگر خان دست‌نشانده قبول نداشته با همان نام محمودخان ضرب پول‌ها را ادامه می‌داد. در پیش روی این سکه‌ها کلمهٔ شریفه «لااله الاالله محمد رسول الله» را درج کرده است. در چهار کنج سکه‌ها نام‌های چهار خلیفه: ابوبکر، عمر، عثمان و علی را نوشته است. در پشت سکه نگاشته شده است:

«سیورغتمش خان یرلغی امیر تیمور کورکان اکمنو»

در سکه‌هایی که در ذخیره سکه‌شناسی موزه دولتی تاریخ ازبکستان H-401/1 سمرقند، ۷۸۲/۱۳۸۰، H-۴۰۱/۲-۳، سمرقند، ۷۸۳/۱۳۸۱؛ H-۴۰۱/۴-۶، سمرقند، ۷۸۴/۱۳۸۲؛ H-۴۰۱/۷-۵۷، سمرقند، ۷۸۵/۱۳۸۳؛ H-۴۰۱/۵۵-۵۶، سمرقند، ۷۸۶/۱۳۸۴؛ H-۴۰۱/۵۷-۶۱، سمرقند، ۷۸۶/۱۳۸۴؛ H-۴۰۱/۶۲، تحت ارقام فوق حفظ می‌شود و در سمرقند در سال‌های ۷۸۸/۱۳۸۶ به مری‌های نقره‌ای ضرب شده، همینگونه نام‌های سیورغتمش خان و امیر تیمور نوشته شده است. در پیشروی تنگه نقره‌ای و مری‌های ضرب شده به نام سلطان محمودخان و امیر تیمور، کلمهٔ مقدس «لااله الاالله - محمد رسول الله» ثبت شده است و در پشت سکه‌ها «سلطان محمودخان یرلغی امیر تیمور کورکان اکمنو» نوشته شده است.^۱ سکه‌ها بیشتر از نقره بوده، و وزن آن ۶ گرام می‌باشد. و آن تنگه خوانده می‌شد. سکه‌های نقره‌ای ۱/۵ گرام برابر یک چهاردهم تنگه با نام امیر تیمور، میری

۱. در ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان تحت ارقام H-۴۰۱/۶۳-۱۹۶ مری‌های ضرب شده با نام سلطان محمود و امیر تیمور در سمرقند از سال ۷۹۱/۱۳۸۸ تا سال ۸۰۰/۱۳۹۷ حفظ می‌شود.

خوانده شده است.^۱ افزون بر آن سکه‌های مس خیلی زیاد که در زندگی روزمره به کار برده می‌شد به نام امیر تیمور ضرب شده است.

در اینجا برخی از نمونه‌های نوشته‌هایی را که در پشت سکه‌های دوران مختلف افغانستان، ایران، عراق و شهرهای آذربایجان به نام‌های امیر تیمور و سلطان محمودخان ضرب شده است، تقدیم می‌کنیم.^۲

- ۱- سلطان محمودخان یرلغی امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه. ضرب استرآباد.
- ۲- سلطان محمودخان یرلغی امیر تیمور کورکان، ضرب باکو.^۳
- ۳- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه باکویه، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۱/۲۶۳-۴۰۱. H.

- ۴- سلطان محمودخان یرلغی امیر تیمور کورکان ضرب بغداد، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۱۴/۱۱۳- H.

- ۵- السلطان محمود... امیر تیمور کورکان سوز(م) خلدالله ملکه، ضرب البصره. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۱/۲۶۳-۴۰۱. H.

- ۶- السلطان الاعظم محمودخان امیر تیمور کورکان، ضرب هراة. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۷۰-۲۶۷/۱-۴۰۱. H.

- ۷- السلطان محمودخان خلدالله ملکه امیر تیمور کورکان اکمنو، ضرب بامیان ۷۹۹. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۷۴/۱-۴۰۱. H.

- ۸- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه، ضرب «بن» ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۸۱-۲۸۰/۱-۴۰۱. H.

۱. ای. دودویچ. دربارهٔ پیدایش و اهمیت اصطلاح «میری» در امور پولی آسیای میانه قرن پانزدهم و شانزدهم. در مجموعه «تاریخ و فرهنگ خلق‌های آسیای میانه». مسکو ۱۹۷۶ ص ۱۲۷-۱۲۴.

۲. در پیشروی همه این سکه‌ها، طوریکه درین رساله یاد شد، کلمهٔ شریفه و نام چهار خلیفه نوشته شده است.

۳. ای. و. رتولدزه. دفینهٔ سکه‌های تیمور و خلیل سلطان در ترمذ سال ۱۹۶۹. مجله علوم اجتماعی ازبکستان، شماره ۸-۹.

۹- السلطان الاعظم محمودخان امیر تیمور کورکان اکمنو. ضرب یزد ۷۹۷.
۹۵-۷۹۷/۱۳۹۴.

۱۰- سلطان محمودخان یرلیغیدین امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه، ضرب
اصفهان.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۸۷/۴۰۱-H، ۱۸۰/۱۵۴-H.

۱۱- سلطان محمودخان یرلیغی امیر تیمور کورکان، ضرب کاشان.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۸۹/۴۰۱-H.

۱۲- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان ضرب قم.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۸۹/۴۰۱-H.

۱۳- سلطان محمودخان بهادر تیموریک کورکان خلدالله ملکه، ضرب میردین.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۲۹۲-۲۹۰/۴۰۱-H.

۱۴- سلطان محمودخان یرلیغی امیر تیمور کورکان اکمنو خلدالله ملکه، ضرب ساوه.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۹۴/۴۰۱-H.

۱۵- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه، ضرب سلطانیه.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۹۷-۲۹۶/۴۰۱-H.

۱۶- سلطان... امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه، ضرب تبریز.

تسعين و سبعمة ۱۳۸۸/۷۹۰.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۹۸/۴۰۱، ۴۷/۱-H.

۱۷- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه، ضرب خوی.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۳۰۱/۴۰۱-H^۱.

۱۸- سلطان العالم محمودخان امیر اعظم امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه.

ضرب شایار.

۱. ای. ورتولدزه. دینه سکه های تیمور و خلیل سلطان در ترمز سال ۱۹۶۹ شماره ۸ و ۹، مجله علوم اجتماعی ازبکستان.

ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۴۰۱/۳۰۲-H.

۱۹- السلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه ضرب شیراز ۷۸۹،
۷۸۹/۱۳۸۷ ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۴۰۱/۳۰۳-H، سال
۹۸-۱۳۹۷/۸۰۰.

۲۰- سلطان محمودخان امیر تیمور کورکان خلدالله ملکه ضرب شماخ.

ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۴۰۱/۳۰۵-۳۰۶.

اگر به سکه‌های امیر تیمور که با نقش‌های هندسی و گوناگون ظریف تزئین شده است، نگاه کنیم، در انظار ما تمغای (آرم) زده شده به سکه‌ها نمایان می‌گردد. این تمغاها از سه حلقه کوچک چنبرک مانند عبارت‌اند. به نظر ر.گ. کلویخا سفیر شاه اسپانیا، این تمغاها معنای «تیمور- حاکم سه اقلیم است» را دارد. بعضی‌ها می‌گویند که تمغای مذکور شانه و سرگاو نر اخته است یعنی گمان می‌کنند که فقط دو چشم و دهان سرگاو نر اخته ترسیم شده است.

در دربار تیمور همزمان با خط عربی، خط کهن ترکی (ایغور) نیز به کار برده شده است. یادگارهای کتبی و یزلق‌ها که با این خط نوشته شده است در دوران آخرین نمایندگان خاندان تیموریان نیز مورد استفاده قرار داده شده است.^۱ سنگ خاطرات یورش‌های نظامی امیر تیمور در سال ۱۳۹۱ بر ضد تختمش خان آلتون ارده، نیز با همین خط نوشته شده بود.

ما، در سکه‌های امیر تیمور، واژه‌های عربی، فارسی، ترکی و مغولی را می‌خوانیم. مثلاً، عربی - «خلدالله ملکه و سلطانه»، فارسی - ضرب، ترکی - سوزم، یرلیغی و مغولی - اکمنو (خودم)، کورکان (داماد) و دیگر واژه‌ها را مشاهده می‌کنیم. در طی حکمرانی ۱۵۰ سال (۱۳۷۰-۱۲۲۰) اخلاف چغتای در ماوراءالنهر و سمرقند گرچه کدام عمارت عام‌المنفعه اجتماعی ساخته نشده است، اما در دوران امیر تیمور و اخلاف وی، شهر سمرقند - مرکز کشور - از لحاظ سیاسی،

۱. و.و. برتالد. مجموعه آثار. جلد اول. مسکو ۱۹۶۳. ص ۹۹.

اقتصادی، علم و فرهنگ رونق و ترقی یافته و به یکی از بزرگترین و زیباترین شهرهای جهان تبدیل شده است. نام‌های بزرگترین شهرهای کشورهای مسلمان به روستاهای اطراف آن داده شده است. مثلاً دمشق (مرکز خلافت اموی)، بغداد (مرکز خاندان عباسی)، مصر (مرکز خلافت فاطمیه). در دوران تیمور در سمرقند مسجد جامع بی‌بی خانم، کک‌سرای، مجموعه شاه زنده، باغ چنار، باغ شمال، باغ دلگشا، باغ بهشت و باغ‌های دیگر ساخته شده است. بدین سبب می‌گویند که «سمرقند صیقل روی زمین است» و «بخارا قوت اسلام و دین است». در پیش طاق مدرسه بی‌بی خانم در سمرقند، عبارت «این دنیای فانی است، آنرا وقف نیکوکاری سازید» درج شده است.

دلایل فوق‌الذکر نشان می‌دهند که شهرهای آسیای میانه در دوران امیر تیمور از لحاظ اقتصادی و فرهنگی رشد و گسترش یافته و مشهور در جهان بوده‌اند. امیر تیمور در «تزوک» خود نوشته است:

«در امور سلطنت، نه حصه مشاورت و تدابیر و کنکاش است و یک حصه شمشیر.^۱»

اگر دلایل تاریخی زیاد را فشرده کنیم چنین نتیجه می‌گیریم:

اگر چه امیر تیمور، در تصرف سرزمین‌های آسیای مرکزی، خراسان، عراق و ایران، لشکرکشی نموده و شمشیر زده است، ولی در اداره امور مملکت و در رشد و گسترش اقتصاد، علم و فرهنگ آن از تدابیر و کنکاش‌های مختلف استفاده نموده و وجود خود را به مثابه صاحب، ستراتیژی و تاکتیک ویژه، دیپلومات، اصلاح طلب، رجل دولتی، انسان دوست و سخاوتمند، به اثبات می‌رساند.

۱. تزوک تیموری.

۳- سکه‌های محمد سلطان محمد جهانگیر

و خلیل سلطان از اخلاف تیمور

امیر تیمور چهار پسر داشته، جهانگیر میرزا پسر بزرگ و دوست داشتنی وی، در سال ۱۳۵۶ تولد یافته و در سال ۱۳۷۶ به سن ۲۰ سالگی فوت کرده و دو پسر از خود باقی گذاشته است به نام‌های محمد سلطان، و پیر محمد میرزا. محمد سلطان دوست داشتنی‌ترین نبیره امیر تیمور بوده، بعد از مرگ جهانگیر امیر، او را ولیعهد خود تعیین کرده بود.

عمر شیخ میرزا پسر دوم امیر تیمور در سال ۱۳۵۶ به جهان آمده و در سال ۱۳۹۳ به عنوان حاکم ولایت فارس تعیین شده است. او هنگام عبور از کردستان در سال ۱۳۹۴ میلادی به مقصد تماشای یک قلعه کوچک به نام فرمتو واقع در سر راه، بر تپه‌ای بالا شده آنرا مشاهده می‌کرد، که ناگهان به ضرب گلوله‌ای که از داخل قلعه تیراندازی شد، به عمر ۳۸ سالگی فوت کرد.

او شش پسر از خود باقی گذاشت: پیر محمد میرزا، رستم میرزا، اسکندر میرزا، احمد میرزا، سعید احمد میرزا و بیکرا میرزا.

میرانشاه میرزا پسر سوم امیر تیمور بوده، وی در سال ۱۳۶۶ چشم به دنیا گشوده است، برایش، نخست، حکومت خراسان و سپس در سال ۱۳۹۳ ایران شمالی، بغداد، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان داده شد. او در سال ۱۳۹۶ در

جنگ با قره یوسف، لشکریاشی ترکمن نزدیک تبریز کشته شد و پنج پسر از خود باقی گذاشت.

ابوبکر میرزا، عمر میرزا، خلیل سلطان میرزا، ایجال میرزا و سیورغتمش میرزا. شاهرخ میرزا پسر چهارم امیر تیمور بوده، در سال ۱۳۷۷ تولد یافته است. شاهرخ میرزا در سال ۱۳۹۶ به حیث حاکم خراسان تعیین شد. در وقت فوت امیر تیمور، شاهرخ میرزا هفت پسر داشت به نامهای الغ بیک میرزا، ابراهیم میرزا، باپسنغر میرزا، سیورغتمش میرزا، محمد جوکه میرزا، جان اغلان میرزا، و محمد یار میرزا.

اگرچه پیش از مرگ امیر تیمور، شاهرخ میرزا آخرین پسر کوچک زنده بود، ولی امیر تخت سلطنت را به دست او نسپرده بود. بل به دست سلطان محمد پسر جهانگیر که در سال ۱۳۷۴ تولد یافته است، سپرده و او در ۲۴ سالگی در رأس چهل هزار لشکر قرار گرفته و در جنگ هایی که به خاطر اشغال شهر اشپره واقع در قرقیزستان کنونی، شرکت نموده، غالب شده بود. در سال ۱۳۹۹ هنگامیکه تیمور به سوی هندوستان یورش برد، محمد سلطان را به حیث حاکم سمرقند تعیین نمود، در لشکرکشی های سال های ۱۴۰۱-۰۲ در جنگ های شمال غرب ایران و آسیای صغیر در چندین جنگ، ضد بایزید (سلطان ترکیه) شرکت نمود، هنگام بازگشت ناگهان مبتلای بیماری شد و به تاریخ ۱۳ مارس سال ۱۴۰۳ وفات کرد.

جسد شاهزاده در سمرقند دفن شده است و مقبره کنونی امیر با نام محمد سلطان نبیره محبوبش ارتباط دارد.

بعد از وفات امیر تیمور تاریخ ۱۸ فوریه سال ۱۴۰۵ او را پهلوی جسد محمد سلطان دفن نمودند.

ساختمان این مقبره فقط در دوران الغ بیک به پایان رسید و به دخمه اخلاف تیمور تبدیل شد. شاهرخ و الغ بیک میرزا نیز در همین جا دفن شده اند.

امیر تیمور به علت جدایی نابه هنگام از این نبیره محبوب خویش، خیلی غصه خورده و به خاطر یادبود او، سکه‌هایی را به نام محمد سلطان ضرب کرده است.

بر روی این سکه‌ها کلمه طيبة و در چهار گوشه آن نام چهار خلیفه، در کنج‌های دیگر نام شهرها و تاریخ ضرب آن نوشته شده است.

۱- سمرقند سال ۸۰۳-۱۴۰۲/۸۰۵

در پشت آن:

سلطان محمد امیر تیمور کورکان، امیر محمد سلطان، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۰۵-۲۰۱/۴۰۱-H

۲- سلطان محمودخان، امیر تیمور کورکان، ولی العهدی فی زمان محمد سلطان. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۳۳۰-۳۲۸/۴۰۱-H.

۳- الاعظم سلطان محمودخان، امیر تیمور کورکان، ولی العهدی امیرزاده محمد سلطان خلدالله ملکه، ضرب تبریز.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۲۹/۴۰۱-H.

۴-... خان یرلیغی امیر تیمور کورکان، ولی العهدی محمد سلطان، ۸۰۵.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۸۶/۴۰۱-H.

۵- سلطان محمودخان، امیر تیمور کورکان، امان محمد سلطان، سمرقند ۸۰۶ سال ۸۰۳-۱۴۰۲/۸۰۵.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۲۰۸-۲۰۶/۴۰۱-H.

۶- سلطان محمودخان، امیر تیمور کورکان، امیرزاده محمد سلطان، ضرب سمرقند، ۸۰۷، سال ۸۰۵-۱۴۰۴/۸۰۷.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۲۲۳-۲۱۳/۴۰۱-H.

۷- السلطان محمودخان امیر تیمور کورکان، محمد سلطان خلدالله ملکه^۱.

۱. ای. داودویچ. دفاین سکه‌های قدیمی و قرون وسطی تاجیکستان. مسکو، سال ۱۹۷۹، ص ۲۶۹.

چون محمد سلطان، قبل از امیر تیمور، وفات کرده بود، تیمور پسر دوم جهانگیر، پیر محمد میرزا را ولیعهد خود تعیین می‌کند و آنرا پیش از وفات خویش، در مقر خود، در حضور همه شاهزاده‌ها، ملکه‌ها و ارکان دولت اعلام و دعوت می‌کند که آنها در اداره امور سلطنت، با پیر محمد میرزا کمک و یاری نمایند.

اما هنوز جسد صاحب قران (امیر تیمور) سرد نشده بود که بین شاهزاده‌های تیموری، نظامیان و ارکان دولت، پراگندگی، آغاز شد.

شاهزاده‌های که سوگند وفاداری به وصایای امیر تیمور یاد کرده بودند، به‌زودی از وصایای پدر بزرگشان روگردانده و به خاطر به دست آوردن تاج و تخت، دست به جنگ‌های خونین زدند.

چون پیر محمد میرزا که به عنوان ولیعهد تعیین شده بود، در آن زمان در ولایت غزنی به سر می‌برد و تا رسیدن به سمرقند یک ماه گذشته بود، خلیل سلطان پسر میرانشاه فرصت را غنیمت شمرده تخت سلطنت را اشغال کرده بود.

خلیل سلطان بعد از جلوس بر تخت، به مقصد نشان دادن وفاداری خود به وصایای صاحب قران (پدر بزرگش) محمد جهانگیر پسر ۹ ساله محمد سلطان میرزا ولیعهد اولیه را به اصطلاح «خان» اعلان نموده و خودش به اداره امور سلطنت مبادرت می‌ورزد.

در فوریه سال ۱۴۰۶ پیر محمد میرزا میراث‌خوار قانونی تخت گرچه در خراسان با قشون شاهرخ میرزا متحد شده علیه خلیل سلطان مبارزه کرد، لیکن در گرما گرم جنگ، چندین امیر به پیر محمد میرزا خیانت نموده و میدان نبرد را ترک کردند. در نتیجه خلیل سلطان در جنگ پیروز شد و پیر محمد میرزا به بلخ و قشون شاهرخ میرزا به خراسان فرار کردند.

یک سال بعد از همین شکست (۲۲ فوریه سال ۱۴۰۷ میلادی) پیر محمد میرزا از طرف پیر علی تاز، امیر خود خفه می‌شود.

خلیل سلطان در سال ۱۳۸۴ تولد یافته بود و او را ملک خانم (زن بزرگ و دوست داشتنی امیر تیمور) تربیت کرده است. او از ۱۵ سالگی با پدر بزرگش در یورش‌های نظامی شرکت نموده و به امور نظامی و سیاست آگاه بود. امیر تیمور، خلیل سلطان را در لشکرکشی به چین (سال ۱۴۰۴ میلادی) به حیث سردار سربازان جناح راست تعیین کرده بود. وی بعد از وفات امیر تیمور، تخت سمرقند را غصب نمود. چراکه امیر تیمور، او را به حیث میراث‌خوار خویش اعلان نکرده بود. علت اساسی آن در این بود که خلیل سلطان با جهان سلطان بیگم، - دختر علی، امیرزاده تیمور - ازدواج کرده بود. خلیل سلطان، زن مشروع داشته ولی صاحب جمال شادی ملک - کلفت امیر حاجی سیف‌الدین - را نیز دوست می‌داشت و او را از خواجه‌اش گرفته و به گونه‌ی نهانی به عقد نکاح خود درآورده بود و چون امیر تیمور از این راز آگاه شد، غضبناک گردید و یساؤل‌باشی را احضار نموده امر داد که:

«شاهزاده در هر جایی که باشد، دستگیر و در قصریکه در آن مهدی علیا بیان آغا به سر برده است، زندانی شود و بی‌حیا شادی ملک به یکی از غلامات به عنوان (زن) تسلیم داده شود.»

ولی امرا، از موقع خوشحالی صاحب قران استفاده نموده، موفق می‌شوند وی را به رقت بیاورند. هر چند که امیر تیمور گناه نبیره حرف نشنو را بخشید، اما از تعیین وی به حیث ولیعهد، امتناع کرد.^۱

بعد از آنکه خلیل سلطان روی کار آمد، به سکه‌های نقره‌ای و مسی، بر نام خود، اسم محمد جهانگیر و واژه «خان» را اضافه نکرده، ضرب نموده است. در پیش سکه‌ها: کلمه طیبیه و در چهار کنج آن نام چهار خلیفه و شهر و سالهای ضرب سکه‌ها (مری‌ها) نوشته شده است.

۱. ب. احمدوف. الغبک. تاشکند. ۱۹۸۹ ص ۱۸.

در پشت آن:

- ۱- سلطان محمد جهانگیر امان الزمان امیرخلیل سلطان خلدالله ملکه ۸۰۷.
سال ۸۰۷/۱۴۰۴-۰۵ ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۴۶-۲۲۴/۱۰/۴۰۱-۴۰۱
سال ۸۰۸/۱۴۰۵-۰۶، ۸۰۸/۲۴۷، ۸۰۸-۲۵۸.
۲- محمد جهانگراجلیل الدیان امیرخلیل سلطان خلدالله ملکه ضرب فی سنة
عشر وثمانمئة سال ۸۰۸-۱۴۰۷/۱۰/۸۱۰^۱

۱. ای.و.رتولدزه. دفينه سكه‌های تیمور و خلیل سلطان در ترمز. سال ۱۹۶۹ مجله علوم اجتماعی ازبکستان شماره ۹-۸. ا.ک.مرکف. کاتالوگ ثبت اثاریه سال ۱۸۹۶ ص ۶۶۶-۶۶۵.

۴- سکه‌های شاهرخ

با به قدرت رسیدن خلیل سلطان، مبارزه به خاطر اشغال حکومت بین شاهرخ پسر کوچک تیمور و نبیره‌هایش قطع شد. این مبارزه بعضی اوقات به شیوه مخفی و گاهی به نحوه علنی، صورت گرفته است.

حکمرانی خلیل سلطان میرزا را خارج از ماوراءالنهر هیچ کس به رسمیت نشناخت. شاهرخ میرزا از این گونه وضعیت استفاده نموده و تدابیر مختلف را جامعه عمل پوشانیده، موفق شد در مقر خلیل سلطان عصیان را به راه اندازد.

در بهار سال ۱۴۰۹ قشون شاهرخ میرزا در منطقه بادغیز و قشون خلیل سلطان در کش (شهرسبز) در حالت آماده‌باش در آمدند. در این هنگام درباره قیام امیرخدایداد در شمال خبر رسید. خلیل سلطان قشون اساسی را در شهر سبز باقی گذاشته و فقط با چهار هزار سرباز برای سرکوبی عصیان حرکت نمود. اما به تاریخ ۳۰ مارس سال ۱۴۰۹ خلیل سلطان از طرف امیر خدایداد به اسارت گرفته شد. چندی بعد با وساطت امیر شیخ نورالدین، بین شاهرخ میرزا و او، پیمانی امضا گردید. مطابق این پیمان، خلیل سلطان از ادعای بر تخت نشستن ماوراءالنهر، صرف نظر می‌کند و به جای آن به عنوان حاکم استان ری، تعیین می‌شود. به زودی

در سال ۱۴۱۱ در قلعه‌ای به نام شهریار واقع در شمال این شهر وفات کرده است.^۱
در سال ۱۴۰۹ شاهرخ میرزا، حکمرانی ماوراءالنهر و تخت سمرقند را به
الغریبیک میرزا، پسر بزرگ خود، هدیه نمود.

شاهرخ میرزا آهسته آهسته اخلاف برادران خویش جهانگیر و عمرشیخ میرزا را
زیردست خود متحد ساخته و زمام امور یک دولت بزرگ را که متشکل از
ماوراءالنهر، خراسان و شمال افغانستان بود، به دست خود گرفت.

شاهرخ میرزا تا آخر عمرش در تعیین ولیعهد خود تردید داشت و تصمیم
نگرفت. به تاریخ ۱۲ مارس سال ۱۴۴۷ به عمر هفتاد سالگی وفات یافت.
شاهرخ میرزا به عنوان حاکم کل ماوراءالنهر و خراسان در تمام شهرهای بزرگ این
منطقه یعنی در استرآباد، بخارا، دامغان، اصفهان، کوشان، کرمان، قم، نشابور، مرو،
سمرقند، سبزوار، ساوه، سلطانیه، تبریز، خوارزم، هرات، شیراز و شهرهای دیگر
سکه‌های نقره‌ای خود را ضرب کرد.^۲ بر روی این سکه‌ها کلمه طیبیه «لا اله الا الله
محمد رسول الله» و بر چهارکنج آن نام‌های چار خلیفه ابوبکر، عمر، عثمان و علی
نوشته شده است. در پشت آن عبارت «سلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه
و سلطانه» و تاریخ و نام شهرهای ضرب این سکه‌های نقره‌ای ثبت شده است. ما، در
زیر، بعضی نمونه‌ها از واژه‌های نوشته شده در پشت سکه‌های شاهرخ را تقدیم
می‌کنیم:

۱- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه ضرب استرآباد ۸۳۱،
سال ۲۸-۱۴۲۷/۸۳۱.

ذخیره موزه دولتی ازبکستان^۳ ۱۰۰/۲۱-ه،^۴ ۶۳/۴۷-ه سال

۱. شرف‌خان ابن شمس‌الدین بدلیسی. شرف‌نامه ص ۱۰۱.

۲. ا.ک.مرکف. کاتالوگ ثبت اثاثیه. ص ۶۶۶-۶۷۱.

۳. ای. ا. دودویچ. دفاین سکه‌های قدیمی و قرون متوسط تاجیکستان، ص ۲۷۱.

۴. همان اثر، ص ۲۷۲.

۸۳۶/۱۴۳۲-۳۳

۲- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه، استرabad ۸۱۵ سال
۱۳-۸۱۵/۱۴۱۲، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۴۷/۵۲ H- سال ۱۴-۱۴۱۳/
۸۱۶، ۴۷/۰۶ H-، سال ۳۸-۱۴۳۷/۸۴۱.

۳- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه، یزد ۸۲۲، سال
۸۲۲/۱۴۱۹، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۲۱/۴۹ H-، ۴۷/۶۱ H-، سال
۲۷-۱۴۲۶/۸۳۰

۴- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب کاشان ۸۱۰ سال
۸۱۰/۱۴۰۷،^۱ ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۱/۸۸ H-، ۲۱/۸۹ H-،
۴۷/۷۲ H- سنوات محو شده است.

۵- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب کرمان، ۸۲۸ (سال
۲۵-۸۲۸/۱۴۲۴). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۴۷/۵۳ H-
۶- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب سبزوار ۸۲۸ (سال
۲۵-۸۲۸/۱۴۲۴)، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۴۷/۵۶ H-، ۱۷۳/۱ H-،
۱۱۲/۶۸ H-.

۷- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب ساوه.
ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۴۷/۷۴/۴۷/۹۵، ۲۱/۵۶ H-، سنوات محو
شده است.

۸- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب سمرقند ۸۲۲، سال
۸۲۲/۱۴۱۹، ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۴۷/۵۹ H-، ۲۱/۵۰ H-، سال
۲۵-۸۲۸/۱۴۲۴، ۴۷/۶۲ H-، ۲۱/۵۷ H-، سال ۲۷-۱۴۲۶/۸۳۰؛ ۲۱/۵۹ H-،

۱. ح.ن. فندرف. دقایق سکه‌های الغریک و شاهرخ از سمرقند. سال ۱۹۶۹ شماره ۳، ص ۵۷، مجله علوم
اجتماعی ازبکستان.

۲. ای.ا. دوادویچ. دقایق سکه‌های قدیمی و قرون متوسط تاجیکستان ص ۲۷۲.

سال ۲۸-۱۴۲۷/۸۳۱؛ ۶۱/۲۱-۲۱، سال ۲۹-۱۴۲۸/۸۳۲؛ ۱۹۵/۱۵۴-۱۵۴، سال ۳۶-۱۴۳۵/۸۳۹؛ ۶۷/۴۷-۴۷، سال ۳۹-۱۴۳۸/۸۴۲؛ ۷۰/۱۱۲-۱۱۲، سال ۴۴-۱۴۴۳/۸۴۷.

۹- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه، ۱ ضرب سلطانیه ۸۴۵. سال ۱۴۴۱/۸۴۵.^۱

۱۰- السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه، ضرب تبریز سنه ۸۲۸ سال ۲۵-۱۴۲۴/۸۲۸؛ ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان، ۵۸/۴۷-۴۷، سال ۴۳-۱۴۴۲/۸۴۶.

۱۱- السلطان الاعظم العادل الدنیا والدین شاهرخ بهادر خلدالله ملکه، ضرب شیراز. ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۸۷/۲۱-۲۱.^۲

۱. همان اثر، ص ۲۷۳.

۲. همان اثر، ص ۲۷۳.

۵- نشست‌ن الغ بیک بر تخت سلطنت سمرقند و سکه‌های او

الغ بیک، نبیره امیر تیمور و پسر شاهرخ بوده^۱ و به تاریخ ۲۲ مارس سال ۱۳۹۴ میلادی در شهر سلطانیه واقع در ایران غربی تولد یافت. مادر او گوهرشاد آغاچغتای دختر غیاث‌الدین تره‌غی از امیران ترک بود.

نام اصلی الغ بیک، محمد تره‌غی بوده اما پدر بزرگش از ایام کودکی او را به حیث الغ (کبیر) بیک‌ها نوازش می‌کرد و در نتیجه «الغ بیک» نام وی گردید. الغ بیک ماه دسامبر سال ۱۴۰۹ میلادی بر تخت سلطنت سمرقند نشست.

الغ بیک، چهل سال (۱۴۰۹-۱۴۴۹) در سلطنت سمرقند حکمرانی نمود. در عالم مسلمانی، پادشاهی به جز الغ بیک، در عرصه علم و فن چنین اندازه شهرت پیدا نکرده بود. الغ بیک سمرقند را به مسکن علم و فن مبدل ساخت، در رشد و تکامل علم نجوم، سهم بزرگی داشت. علم و فن و فرهنگ و بازرگانی در ماوراءالنهر در دوره الغ بیک، رونق و گسترش یافت.

۱. شاهرخ میرزا پنج پسر داشت:

۱- الغ بیک، حاکم سمرقند و ماوراءالنهر.

۲- میرزا ابراهیم، حاکم فارس.

۳- میرزا بایسنقر در سال ۱۳۹۷ تولد یافته، حکمران خراسان و مازندران بود (سال ۱۴۳۴ وفات کرد).

۴- میرزا سیورغتمش، از سال ۱۴۱۴ تا ۱۳۹۶ میلادی حاکم بدخشان بود.

۵- میرزا محمد جُغنی، حاکم بلخ (در سال ۱۴۴۴ میلادی فوت کرد).

اگرچه در دوره الغ بیگ در سمرقند و بخارا سکه‌های نقره‌ای ضرب شدند ولی الغ بیگ آنها را نه به نام خود بلکه به نام پدرش شاهرخ ضرب کرد. الغ بیگ فقط بعد از وفات پدر خود شاهرخ، به ضرب سکه‌های نقره‌ای به نام خویش مبادرت ورزید. امور سکه‌زنی به نام وی در سمرقند و هرات، فقط دو سال و هفت ماه ادامه یافت. از این لحاظ، سکه‌های نقره‌ای ضرب شده به نام الغ بیگ کم پیدا می‌شود و نادر به شمار می‌روند.

سکه‌های نقره‌ای شاهرخ، تمغای (آرم) خاص امیر تیمور و نام امیر تیمور را ندارند. و در سکه‌های الغ بیگ، تمغای دولت تیمور و نام او یاد می‌شود. به گونه مثال: «تیمور کورکان همّتی دین الغ بیگ کورکان سوزم ضرب سمرقند، سال ۸۵۳/۱۴۴۹»

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۸۱/۴۷-H.

خلف دیگری به جز الغ بیگ، نام خود را توأم با نام امیر تیمور نداشت و سکه ضرب نکرد. الغ بیگ چنین سکه‌ها را در سال ۸۵۱/۱۴۴۷ در خوارزم و در سال ۸۵۲/۱۴۴۸ در هرات ضرب نمود.^۱

میرزا الغ بیگ به قصد گسترش امور تجارتی در ماوراءالنهر و تنظیم سکه‌های مسی در جریان معامله بازرگانی بازار سالهای ۱۴۲۹-۱۴۲۸ م اصلاحات پولی را به راه انداخت و سکه‌های مسی را به شکل جدید ضرب کرد. اگرچه هیچ‌گونه معلوماتی درباره اصلاحات پولی الغ بیگ به ما نرسیده است، ولی مطالعه عمیق سکه‌های مسی ضرب شده در ماوراءالنهر در دوره الغ بیگ، انجام اصلاحات پولی آن دوره را به اثبات می‌رساند.

بدین ترتیب، علم سکه‌شناسی و انجام اصلاحات پولی را که در زندگی اقتصادی آسیای میانه در نیمه اول قرن ۱۵ نقش مهمی داشته است، با دلایل ثابت ساخت و یک صفحه دیگر، در مطالعه تاریخ ماوراءالنهر باز نمود.

در اثنای مطالعه و تحقیق دفاین کشف شده در نواحی آسیای میانه، برای ما

معلوم گردید که الغبیک سال ۱۴۲۰ میلادی اولین بار اصلاحات پولی را انجام داده و در وسط تصویر ستاره به شکل پنج گوشه روی سکه‌های مسی ضرب شده، واژه‌های «ضرب سمرقند عدلیه» و پشت آن «سنة ثلاث عشرین و ثمانمائة»

خوانده می‌شود. سال ضرب این سکه‌ها (۸۲۳/۱۴۲۰) به عربی نوشته شده است. ولی سکه‌های مسی ضرب سمرقند سالهای ۸۲۳/۱۴۲۰ با سکه‌های ضرب بخارای سالهای ۲۹-۸۳۲/۱۴۲۸، از یک دفینه کشف نمی‌شود و یا خیلی به ندرت دیده می‌شود. از این رو می‌توان چنین خلاصه کرد: سکه‌های مسی ضرب سمرقند سالهای ۱۴۲۰ میلادی با سکه‌های ضرب بخارای سالهای ۲۹-۱۴۲۸ میلادی تبدیل شده است یعنی در سال‌های ۱۴۲۰ میلادی سکه‌های مسی کهنه ضرب سمرقند جمع‌آوری و به جای آن، سکه‌های جدید، به جریان گذارده شد.

در قسمت مرکزی روی سکه‌های ضرب سال‌های ۲۹-۱۴۲۸ میلادی «بخارا» و یا «ضرب بخارا» نوشته و چهار طرف آن با نقش‌های گوناگون گلی تزیین شده است. بر پشت آن تاریخ ضرب نوشته شده است:

«فی التاريخ سنة اثنا ثلاثین و ثمانمائة» یعنی سال ۲۹-۸۳۲/۱۴۲۸.

چنین سکه‌های مسی نه فقط در بخارا بلکه در تمام آسیای میانه خیلی رایج بود. علت اساسی کشف زیاد این گونه سکه‌های ضرب سال ۲۹-۸۳۲/۱۴۲۸ در آن است که آنها با همین سکه ضرب شدند بلکه به سکه‌های ضرب سالهای بعدی نیز سنه ۱۴۲۸ میلادی افزوده، ضرب شده است. این گونه سکه‌ها در شهرهای دیگر ماوراءالنهر نیز، در خراسان، اندیگان (اندیجان)، قرشی (کش)، ترمز، سمرقند و شاهرخیه نیز ضرب شدند و بعداً ضرب چنین سکه‌ها بیشتر در بخارا متمرکز شد. سکه‌های مسی ضرب سالهای ۲۹-۸۳۲/۱۴۲۸، اواخر سده پانزدهم و اوایل سده شانزدهم در معامله بازرگانی رایج بود. ولی هر شهر روی این سکه‌ها تمغای خود را زده، به جریان می‌انداخت.^۱

بعد از وفات شاهرخ، حکمرانی خراسان را نبیره وی، علاءالدوله پسر مرحوم

۱. ای. ا. دواوویچ. تاریخ گردش پولی آسیای میانه، قرن متوسط، مسکو، سال ۱۹۸۳ میلادی.

غیاث‌الدین بایسنقر میرزا، به دست گرفته بود. گرچه همه پسران شاهرخ میرزا فوت کردند اما الغ‌بیک میرزا، پسر اولش هنوز زنده بود. او مدعی تخت سلطنت پدر بوده و به قصد پیوند دادن پسر خود (عبداللطیف) به تخت خراسان، در بهار سال ۱۴۴۸ میلادی با قشون نود هزاری، علیه علاؤالدوله حمله کرد. علاؤالدوله در نبرد مغلوب شده، به مشهد و بعداً پیش ابوالقاسم بابر، برادر کوچکش به قوچان فرار کرد. اگرچه در این نبرد الغ‌بیک پیروز شد، ولی بعد از این نبرد بین الغ‌بیک و پسرش (عبداللطیف) نزاع پیدا شد. زیرا که عبداللطیف میرزا در جنگ «ترناب» ۱۴ فرسخی هرات دلاوری از خود نشان داده و پیروز گردید، اما الغ‌بیک افتخار پیروزی را به نام عبدالعزیز میرزا، پسر دوست داشتنی‌اش ثبت کرده بود.

افزون بر آن، به محض اینکه الغ‌بیک، هرات را تصرف نمود، داخل شدن پسرش (عبداللطیف میرزا) را به قلعه اختیارالدین منع ساخت زیرا زمانی که شاهرخ زنده بود، این قلعه را به عبداللطیف بخشیده بود و او با شاهرخ (پدر بزرگش) در سال ۱۴۴۶ میلادی به سوی اصفهان یورش برده و در داخل این قلعه چندین هزار مقل و اشیای طلا و نقره‌ای و همچنین ۲۰۰ تومان پول را پنهان کرده بود و این عمل عبداللطیف باعث ناخشنودی پدرش (الغ‌بیک) گردید.

لذا در بهار سال ۱۴۴۹ میلادی - زمانی که الغ‌بیک برای تصرف دوباره خراسان آمادگی می‌گرفت - با پسر خود (عبداللطیف) مجبور به نبرد شد.

الغ‌بیک در این جنگ برای آنکه بیهوده خون‌ریزی نشود، به میل خود تسلیم شد. عبداللطیف فرمان داد که پدر تسلیم شده‌اش برای زیارت کعبه فرستاده شود. الغ‌بیک هنوز از سمرقند دور نرفته بود که از عقب او قاصدی آمده و فرمان توقف یک روزی وی را در روستای آن محل رساند. الغ‌بیک میرزا وادار شد در آن روستا توقف کند. با غروب آفتاب شخصی به نام عباس داخل حجره الغ‌بیک شد و حکمران سابق را به بیرون کشیده و به زانو درآورد و با یک ضرب شمشیر، سر او را از تنش جدا ساخت. این جنایت شوم به تاریخ ۲۵ اکتبر سال ۱۴۴۹ میلادی روی داد.

ع- حکمفرمایی اخلاف تیمور در ماوراءالنهر بعد از قتل میرزا الغ بیگ و سکه‌های آنها

عبداللطیف (پدرکش) برادر کوچک خود عبدالعزیز را نیز به قتل رساند. ولی چندی بعد عبداللطیف از طرف باباحسین بهادر، یکی از امرای الغ بیگ کشته شد. برای نشان دادن آنکه مجازات یک (پدرکش) همین‌طور خواهد بود، سر عبداللطیف را به پیش طاق مدرسه الغ بیگ، آویزان کردند.

عبداللطیف بر تخت سلطنت سمرقند مدت شش ماه حکمرانی کرد. او توانست به نام خود سکه ضرب کند. نام شاهرخ پدر بزرگش را نیز بر نام خود افزوده، سکه‌ها را ضرب کرد، بدین سان:

السلطان الاعظم عبداللطیف بهادرین شاهرخ بهادرین تیمور کورکان، سمرقند
سنة ۸۵۳ (سال ۱۴۴۹/۸۵۳)^۱.

بعد از کشته شدن عبداللطیف، تخت سلطنت سمرقند را میرزا عبدالله (پسر میرزا ابراهیم) برادرزاده الغ بیگ اشغال نمود. او در سمرقند یک سال حکمرانی کرد و در این مدت به نام خود سکه‌ها ضرب کرد. مطابق معمول، روی این سکه‌ها کلمه ایمان و نام چهار خلیفه و بر پشت آن: «السلطان الاعظم الخاقان العادل مرشدالدین

۱. ای.ا. داودویچ. دقایق سکه‌های قدیمی و قرون وسطی تاجیکستان، ص ۲۷۳.

سلطان عبدالله بهادر خلدالله ملکه و سلطانه، سمرقند فی سنة ۸۵۴ سال
۵۱-۱۴۵۰/۸۵۴ نوشته شده است.

ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۱۷۲/۱۱۲-۱^۱

ابوسعید که خود را نبیره میرانشاه و پسر سلطان محمد معرفی کرده بود، در
سال ۱۴۵۱ میلادی حکمرانی سمرقند را به دست آورد.

ابوسعید بعد از اشغال تخت ماوراءالنهر برای برقراری دوباره حکومت در
خراسان، علیه ابوالقاسم بابر مبارزه کرد و پس از فوت ابوالقاسم این مناطق را در
سال ۱۴۵۱ میلادی بار دیگر تصرف کرد و موفق شد دولت تیموریان را تا اندازه‌ای
استحکام بخشد. ولی در این دوره مناطق مربوط تیموریان در عراق، ایران غربی
و آذربایجان از دست رفته بود.

در سال ۱۴۵۳ میلادی، جهان‌شاه پسر ترکمن قره یوسف، ایران غربی را تصرف
کرد و در سال ۱۴۶۷ میلادی پس از درگذشت جهان‌شاه، ابوسعید جهت برقراری
دوباره حکمرانی خود در این مناطق، بر ضد ترکمن‌ها جنگید. او در همین جنگ
(سال ۱۴۶۹ میلادی) هلاک شد.

ابوسعید، در سالهای ۱۴۵۸-۱۴۵۱ به حیث حکمران اعظم ماوراءالنهر،
سالهای ۱۴۶۹-۱۴۵۸ ماوراءالنهر و خراسان بوده و در خراسان به سر برد.
سلطان احمد، پسر بزرگ او سالهای ۱۴۹۴-۱۴۶۹ میلادی حاکم سمرقند بود. بعد
از وفات وی در ماه ژوئیه سال ۱۴۹۴ میلادی سلطان محمود برادر کوچکش،
قدرت را در سمرقند به دست گرفت (او سابق حاکم خیساو بدخشان بود). ولی
پنج ماه بعد (دسامبر سال ۱۴۹۴ میلادی) قدرت به دست بایسنقر پسر
سلطان احمد انتقال یافت. او نیز مدت طولانی حکمرانی نکرد (سالهای ۱۴۹۷-
۱۴۹۵ میلادی) و بعد از او حکمرانی سمرقند به دست سلطان علی میرزا پسر

۱. همان اثر، ص ۲۷۴. ا.ک. مرکوف. کاتالوگ ثبت اثاثیه، ص ۶۷۱، شماره ۱۵۸.

سلطان محمود (سالهای ۱۵۰۰-۱۴۹۸ میلادی) انتقال یافت.
ابوسعید سالهای ۱۴۶۹-۱۴۵۱ میلادی در ماوراءالنهر و خراسان، سلطان احمد، سلطان محمود، سلطان بایسنقر و سلطان علی میرزا در شهرهای ماوراءالنهر، سمرقند به نام‌های خود سکه‌های نقره‌ای ضرب کردند.
پشت سکه‌های ابوسعید: «ضرب السلطان الاعظم ابوسعید کورکان خلدالله ملکه و سلطانه» نوشته شده است. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۱۴۷/۹۴.^۱

بعد از فوت ابوسعید، سلطان احمد پسر وی سالهای ۱۴۹۴-۱۴۶۴ میلادی در سمرقند حکمرانی نموده و به نام خود سکه‌ها ضرب کرد. پشت این سکه‌ها: «السلطان الاعظم سلطان احمد کورکان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه ضرب سمرقند» نوشته شده است. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۱/۹۸.^۲
سال ۱۴۹۵ میلادی پسر دوم او، بایسنقر ۱۸ ساله، تاج و تخت سمرقند را به دست گرفت و تا سال ۱۴۹۷ میلادی حکمرانی نموده، به نام خود سکه‌ها ضرب کرد. بایسنقر پشت سکه‌ها: «السلطان الاعظم خلدالله ملکه و سلطانه».
و در قسمت مرکزی سکه، داخل دایره: «سلطان بایسنقر غازی، سال ۹۶-۱۴۹۵/۹۰».

و روی سکه‌ها: «لا اله الا الله محمد رسول الله».
و در اطراف آن نام‌های همان چهار خلیفه اولیه و اوصاف آنها یعنی ابوبکر الصدیق، عمر الفاروق، عثمان ذوالنورین، علی المرتضی نوشت. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان ۲۱/۱۲۰.^۳

۱. ا.ک.مرکوف. کاتالوگ ثبت اثاثیه، ص ۶۷۱، شماره ۱۶۲-۱۵۹.
۲. ای.ا.داودیچ. دفاین سکه‌های قدیمی و قرون وسطی تاجیکستان ص ۲۷۷-۲۷۶. ا.ک.مرکوف. کاتالوگ ثبت اثاثیه ص ۶۷۲، شماره ۱۶۷-۱۶۳.
۳. ا.ک.مرکوف. کاتالوگ ثبت اثاثیه. ص ۶۷۴، شماره ۲۱۵-۱۹۷.

پشت سکه‌های سلطان علی: «السلطان الاعظم سلطان المظفر علی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه، ضرب سمرقند ۹۰۴». سال ۹۰۴/۱۴۹۸ نوشته شده است. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان H-۱۵۴/۲۰۵.

سالهای ۱۵۰۰-۱۴۹۵ میلادی بین تیموریان (بایسنقر، سلطان علی میرزا، بابر) مبارزه به خاطر تخت و تاج به اوج رسید. شیبانی خان فرصت را غنیمت شمرده و سال ۱۵۰۰ میلادی سمرقند را تصرف نمود.

۷- حکمرانی اخلاف تیمور در خراسان و سکه‌های آنها

در نتیجه کشته شدن ابوسعید سال ۱۴۶۹ میلادی، سلطان حسین بایقرا بر تخت خراسان نشست. حسین بایقرا (سالهای ۱۵۰۶-۱۴۳۸ میلادی) پسر عمر شیخ میرزا، نبیره بایقرا میرزا (سالهای ۱۴۲۳-۱۳۹۳ م) بود.

محمد یادگار میرزا (سالهای ۱۴۷۰-۱۴۳۹ م) نبیره شاهرخ میرزا پسر دوم سلطان محمد میرزا سال ۱۴۷۰ م مدعی تخت خراسان بوده، بر آن حمله کرد. ولی از برکت نقشه خردمندانه علیشیرنوایی و شجاعت و مردانگی سلطان حسین بایقرا قشون محمد یادگار میرزا تار و مار شد و خودش نیز کشته شد. هنگام به قدرت رسیدن حسین بایقرا در هرات میرعلیشیرنوایی (رفیق دبیرستانی او) شاعر کبیر به حضور وی از سمرقند به هرات آمده بود. سلطان حسین بایقرا به همکاری علیشیرنوایی، نه فقط نزاع‌های مختلف داخلی دولت را حل و فصل کرد، بلکه چگونگی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را تا اندازه‌ای خوب ساخت. در دوره او علم و فرهنگ و ادبیات رونق یافت و اهالی در آرامی و رفاه به سر می‌بردند. پس از آنکه در ۲۴ مارس سال ۱۴۶۹ م حسین بایقرا شهر هرات را تصرف نمود، در مساجد جامع به نام او خطبه خوانده شد و سپس سکه‌ها ضرب گردید.

در دوران سلطان حسین بایقرا از ۸۷۵/۱۴۷۰ تا ۹۱۲/۱۵۰۶ در شهرهای بزرگ خراسان مانند استرآباد، مشهد، مرو، سبزوار، سمنان سکه‌های طلایی، نقره‌ای

و مسی ضرب شد و در معامله بازرگانی رایج گردید. ما، درین جا بعضی از نمونه‌های سکه‌های ضرب حسین بایقرا را ارائه می‌کنیم:

۱- السلطان الاعظم ابولغازی سلطان بهادر خلدالله تعالی ملکه و سلطانه. ضرب استرabad، ۸۹۷ (سال ۹۲-۱۴۹۱/۸۹۷).

ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۸۲/۴۷، H-۱۵۴/۲۰۱ (سال ۹۷-۱۴۹۶/۹۰۲)

۲- السلطان الاعظم ابولغازی سلطان حسین بهادر خلدالله تعالی ملکه و سلطانه ضرب مشهد ۸۷۴ (سال ۷۰-۱۴۸۹/۸۷۴) ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۸۹/۴۷، H-۴۷/۸۹.

۳- السلطان الاعظم ابولغازی سلطان حسین بهادر خلدالله تعالی ملکه و سلطانه ضرب هراة ۸۹۰ (سال ۱۴۸۵/۸۹۰) ذخیره موزة دولتی تاریخ ازبکستان ۹۰/۴۷، H-۲۱/۱۰۹، H-۴۷/۸۳، H-۴۷/۸۷، H-۱۱۲/۷۱، H-۱۵۴/۲۰۳، H-۱۵۴/۲۰۷، H-۱۵۴/۲۰۸، H-۱۵۴/۲۰۹، سنوات ناپدید شدند.

سلطان حسین ۷۰ سال زندگی کرد و در اواخر عمر خود مبتلای بیماری فلج گردید. او ۱۴ پسر داشت و بدیع الزمان بزرگترین آنها بود. هفت تن از پسرانش در زمانی که او زنده بود، فوت کردند و بقیه بعد از مرگ پدر به خاطر اشغال تخت سلطنت به جان هم افتادند. وفات حسین در سال ۱۵۰۶ میلادی و عدم توافق بین پسران او، شیبانی خان را واداشته، تا عنان اسپ خود را به سوی هرات بپیچاند. در چنین شرایط حساس، ظهیرالدین محمدبابر، نبیره ابوسعید (پسر عمر شیبخ) به هرات رفت و پسران سلطان حسین را متحد ساخت و برای مبارزه علیه شیبانی خان فراخواند. گرچه بدیع الزمان و مظفر، پسران سلطان حسین از بابر، استقبال گرم به عمل آوردند اما آنها با هم متحد نشدند.

در این موقع خبر تصرف بلخ از طرف شیبانی خان، به هرات رسید. چون ظهیرالدین محمدبابر با پسران سلطان حسین نتوانست به توافق مشترک

برسد، بازگشت و به سوی کابل شتافت، در آنجا نیز نمانده، و به شهر آگرای هندوستان روانه شد و در آنجا سلسله مغل‌های کبیر را اساسگذاری نمود. این سلسله در هندوستان تا قرن نوزدهم حکمرانی کردند.

گرچه در سال ۱۵۰۷ میلادی بدیع‌الزمان و مظفر علیه شیبانی خان مبارزه کردند ولی در این مبارزه دستگیر و کشته شدند. پسران باقی مانده سلطان حسین به هر سو گریختند و کوشش کردند تا جان به سلامت ببرند. در سال ۹۱۳/۱۵۰۷ شیبانی خان به آسانی تخت سلطنت هرات را به دست آورد و در همان سال در یکی از مساجد جامع هرات به نام او، خطبه خوانده شد و سکه‌ها ضرب گردید. و با همین خطبه، حکمفرمایی تیموریان نیز در خراسان به پایان رسید.

بدین ترتیب، حکمفرمایی تیمور و سلطنت تیموریان که ۱۷۰ سال، جهان را به لرزه درآورده بود، خاتمه یافت و به جای آن در تاریخ آسیای میانه حکمرانی سلسله جدید شیبانیان آغاز یافت.

۸- ارز ملی ازبکستان مستقل و سکه‌های ضرب آن

به مناسب سالروز تولد امیر تیمور و میرزا الغ بیگ

ارز ملی، به مثابه پرچم، آرم، سرود، قانون اساسی سمبل دولت و خلق است و همچنین مظهر مقدس استقلال نیز می‌باشد. البته برای تحکیم استقلال ازبکستان و سوق دادن آن در راه اقتصاد ثابت، ضرورت به جریان انداختن ارز ملی آن، پیدا شده بود.

«برحسب ماده (۱۲۲) قانون-اساسی ازبکستان، ماده (۱۱) قانون درباره مبانی استقلال دولتی جمهوری ازبکستان و مطابق تصمیم شماره ۱۲-۹۵۲ مورخه ۳ سپتامبر سال ۱۹۹۳م شورای عالی جمهوری ازبکستان به قصد تضمین اجتماعی زندگی مردم از طریق دولت در شرایط شکل‌گیری مناسبات بازار، توسط فرمان رئیس‌جمهور ازبکستان از ۱۵ نوامبر سال ۱۹۹۳م، ارز میانی خویش (یعنی سوم - کوپن) را رایج ساخت و سوم - کوپن‌های با ارزش ۱، ۳، ۵، ۱۰، ۲۵، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ را به جریان انداخت.

اسلام کریموف رئیس‌جمهور ازبکستان اظهار داشت:

«انتقال به ارز جدید مساوی با انقلاب است.»^۱

۱. ای.ا. کریموف. «از راه مقاصد عظیم منحرف نشویم» از سخنرانی وی در دوره اجلاس دوازدهم شورای عالی جمهوری ازبکستان. تاشکند. اداره نشریات «ازبکستان» سال ۱۹۹۳م. ص ۳۴.

و درباره حتمی بودن انتقال به ارز اساس جدید افزود:

«مقدم بر همه، جمهوری (ازبکستان) برای مستقل بودن اقتصادی از کشورهای دیگر، باید پول خود، و ارز ملی خویش را داشته باشد. این نه فقط علامت خاص هر کشور است، بل یکی از شرایط اساسی استقلال اقتصادی نیز می‌باشد.^۱»

برحسب تصمیم شماره ۱۲-۹۵۲ مورخه ۳ سپتامبر سال ۱۹۹۳ م شورای عالی جمهوری ازبکستان، از اول ژوئیه سال ۱۹۹۴ م سکه‌های فلزی جدید ۱،۵،۳،۱۰، ۲۰ و ۵۰ «تین» و ارز ملی جمهوری ازبکستان «سوم» به ارزش‌های ۱،۵،۳،۱۰، ۲۵، ۵۰، ۱۰۰ به جریان انداخته شد.^۲

سیاست اقتصادی اسلام کریموف رئیس‌جمهور ازبکستان عبارت از «مدل ازبک» و انتقال به راه تمدن جهان است که مملو از اندیشه‌های ساختمان دولت مستقل با علم و فرهنگ رونق یافته می‌باشد، اتباع ازبکستان از لحاظ اجتماعی حمایت شدند، و این سیاست، هم اکنون ثمره خود را داده است.

کشور به ثبات (ماکرو اقتصاد) رسید، رشد تولید مشاهده می‌شود. ارزش سوم - ارز ملی پایداری پیدا می‌کند و از روی حساب معاملات جاری قابلیت تبدیل آن به دست آمد. «مدل ازبک» انتقال به اقتصاد بازار - از طرف جهانیان ارزش عالی یافت و از همه مهمتر، از طرف خلق ازبکستان پشتیبانی می‌شود.

ریشه‌های جریان رشد و ترقی دوره کنونی از سده‌های پیشین سرچشمه می‌گیرد، تمایل، شیوه‌های و سنن خود ویژه دولتمداری سیاست، اقتصاد و اداره امور مالی با رعایت قوانین عمومی که از جانب امیر تیمور، در همان دوره اساس شده بود، اکنون نیز اهمیت خود را از دست نداده است.

۱. ای.ا. کریموف. «ازبکستان: راه خود ویژه انتقال به مناسبات بازار». اداره نشریات «ازبکستان» سال ۱۹۹۳ م. ص ۱۱۷.

۲. از اول مارس سال ۱۹۹۷ م ۲۰۰ سوم به جریان انداخته شد.

جمهوری ازبکستان، در سال‌های استقلال خویش، ارز ملی «سوم» و سکه‌های جشنی و یادگاری را ضرب کرد. در آن جریان احیای مجدد ملی و شکل‌گیری تاریخ اولیه پولی ازبکستان مستقل بازتاب یافته است.

وزارت دارایی جمهوری ازبکستان و بانک مرکزی، به مناسبت سه سالگی استقلال جمهوری ازبکستان، از اول سپتامبر سال ۱۹۹۴م دو سکه جشنی به ارزش ۱۰ سومی را به جریان انداخت:

۱- به رنگ سفید، به ارزش ۱۰ سوم، از نقره عیار ۹۹/۹ تهیه شده، - وزن یک اونس - ۳۱/۱۰۳ گرم است.

۲- سکه جشنی به رنگ زرد از مس - نیکل تهیه شده است. وزن - ۲۸/۲۸ گرم است، با طلای عیار ۹۹/۹ به وزن ۱۰ ملیگرام پوشیده شده است.

قطر هر دو سکه جشنی ۳۸/۶مم گرد شکل بوده و در دور، روی و پشت آن، لبه برجسته موجود است.

در روی این سکه‌های جشنی، مجسمه امیر تیمور در شهر تاشکند نقش شده است و در قسمت فوقانی سکه واژه «KENT» نوشته و این واژه از هر دو طرف با نقطه جدا گردیده است. در قسمت تحتانی، در دور مجسمه نوشته‌های TASH (AMIR TEMUR HAYKALI)، «İSOM» موجود است.

در قسمت مرکزی پشت سکه‌های جشنی، تصویر آرم دولتی جمهوری ازبکستان و در دور آن نوشته‌های: «OZBEKISTON MUSTAQILLIGININ 3 YILLIGI» و «1994» نقش هست.

قسمت‌های برجستگی دور سکه‌های جشنی، عبارت از خط راه‌راه است. این سکه‌ها به اندازه محدود ضرب شده و دارای ارزش سکه‌شناسی می‌باشد.

وزارت دارایی جمهوری ازبکستان و بانک مرکزی به مناسبت شصدهمین سالروز تولد محمد ترغی الغ‌بیک، سکه یادگاری جشنی به ارزش یک «سوم» راز

۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی به جریان انداخت.

۳- سکه یادگاری جشنی به رنگ زرد از مس تهیه شده است، وزن از ۱۶ گرم عبارت بوده و با طلای عیار ۹۹/۹ به ضخامت «0.5 MKP» پوشیده شده است.

قطر سکه یادگاری جشنی ۳۱مم گرد شکل بوده و بر دور، روی و پشت آن لبه برجسته موجود است.

روی سکه یادگاری جشنی نقش برجسته الغ بیک بوده و در قسمت فوقانی به شکل دایره‌ای نوشته شده است: «MUHAMMAD TARAGAY ULUGBEK» و از هر دو طرف با نقطه‌ها جدا شده است. در قسمت تحتانی رقم «۱۴۴۹-۱۳۹۴» موجود است. به مثابه علم، ابزار ستاره بین تصویر زاویه سنج نجومی نقش شده است.

در قسمت مرکزی پشت سکه‌های یادگاری جشنی، تصویر آرم دولتی جمهوری ازبکستان و در دور آن نوشته‌های: «OZBEKISTON RESPUBLIKASI»

و «SOM-1994» بوده و در تمام اطراف سکه نقش ترسیم است. قسمت‌های برآمدگی سکه جشنی، خط راه راه است. این سکه یادگاری جشنی به اندازه محدود ضرب شده و دارای ارزش سکه‌شناسی می‌باشد.

بانک مرکزی جمهوری ازبکستان به مناسبت ششصد و شصتمین سالروز تولد امیر تیمور، دو نوع سکه جشنی به ارزش ۱۰۰ سوم از اول سپتامبر سال ۱۹۹۶ میلادی، به جریان انداخت.

۴- سکه جشنی به رنگ سفید از نقره عیار ۹۹/۹ تهیه شده و قطر آن به ۳۸مم و وزنش به ۳۱/۱ گرم مساویست.

۵- سکه جشنی به رنگ زرد از نقره ۹۹/۹ تهیه شده و قطر آن ۳۸مم و وزنش ۳۱/۱ گرم است. این سکه با طلای ۰/۱۱ گرم به ضخامت MKP ۰/۲۵ پوشیده شده است.

در قسمت مرکزی روی هر دو سکه تصویر «امیر تیمور» سوار بر اسب موجود است. در قسمت زیرین رقم ارزش آن «۱۰۰» و زیر آن نوشته «SOM» هست. طرف چپ تصویر، ارقام ۱۳۳۶ و طرف راست ۱۴۰۵ نقش شده است. در دور سکه: «AMIR TENUR- 660 YIL» نوشته شده است.

در پشت سکه، آرم دولتی جمهوری ازبکستان ترسیم و در اطراف آن نوشته شده است: «OZBEKISTON RESPUBLIKASI 1996» این تصویر و نوشته‌ها به شکل تحذب داده شده است. این سکه‌ها به مقدار محدود ضرب شده و دارای ارزش سکه‌شناسی می‌باشد.

اکنون، در امر تحکیم استقلال جمهوری ازبکستان و انجام اصلاحات اقتصادی، با جریان انداختن ارز ملی، اهمیت خیلی زیاد پیدا کرده است. برای فعالیت استوار سیستم بانکی و پیروی از سیاست مستقلانه و قاطع پولی اعتباری، قوانینی «درباره بانک مرکزی جمهوری ازبکستان» و «درباره بانک و فعالیت بانک» تصویب شد. تجربه بین‌المللی و خصوصیات خود ویژه اقتصاد ازبکستان در این قوانین تجسم یافته و این اسناد برای پایدار ساختن «سوم» کمک نموده است.

انجام پیگیرانه طریق «با ثبات سازی» ماکرو اقتصاد، کاهش بی ارزش شدن پول، افزایش حجم تولید و تمایل آغاز رشد اقتصادی را تأمین کرده است.

سیستم پولی ملی، شرایط اقتصادی دشواری را پشت سر گذاشت. اکنون زیربنای جدیدی برای عمل سیستم پولی ملی (یعنی بورس ارز جمهوری) تأسیس شده است. کارخانه چاپ پول، تولید کاغذ و ضرابخانه ایجاد شده‌اند. در خور یادآوریست که ازبکستان در میان کشورهای مستقل مشترک المنافع یکی از کشورهای کم‌یاب می‌باشد که مطابق احتیاج خود، ارز و اوراق بهادار را چاپ و تولید می‌کند.

ایجاد سیستم پرداخت الکترونی بین بانک‌های جمهوری، بر پایداری معامله

پولی تأثیر جدی گذاشت و امکان داد که مدت انتقال پول از چندین هفته به چندین دقیقه کاهش یابد.

در حال حاضر پایدار و استوار ساختن ارزش «سوم» در بازارهای داخلی و خارجی، مهمترین وظیفه به شمار می‌رود.

مطابق اطلاعات سرویس مطبوعاتی بانک مرکزی ازبکستان، درجه متوسط بی‌ارزش شدن سالانه پول در سال ۱۹۹۶ میلادی نسبت به سال ۱۹۹۵ دو برابر کمتر شده است. افزایش متوسط ماهانه ارزش پول ۴/۳ درصد را تشکیل می‌دهد.

کمیسیون سیاست اعتباری و پولی که براساس فرمان رئیس جمهور ازبکستان تأسیس شده است، کاهش انتشار پول نقد تعیین شده از طرف حکومت و انجام نمودارهای برنامه خزانه را در هر ماه، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. مثلاً، انتشار پول نقد از ماه ژانویه تا مه سال ۱۹۹۷م نسبت به عین ماه همان سال (۱۹۹۶م) تخمیناً دوبار کم بود.

پایدار و استوار ساختن هرچه زیاده‌تر ارز ملی به تعمیق اصلاحات سازمانی در سیستم پولی - دارایی تعلق دارد. در نتیجه این اصلاحات، در ردیف بانک‌های بزرگ و متوسط بازرگانی، بانک‌های خصوصی و سازمان‌های دیگر اعتباری فعالیت را آغاز نمودند.

در پایدار ساختن ارز ملی، بازار اوراق بهادار اهمیت خیلی بزرگ دارد. سرمایه‌داران خارجی به زودی حق خریداری آزاد اوراق بهادار ازبکستان، اوراق قرضه دولتی کثیرالمدت و سهام کارخانه‌های جمهوری را به دست خواهند آورد.

این امر در گسترش بازار ذخیره اوراق بهادار در کشور ما، یک مرحله مهم می‌باشد.

در امر پایداری ارز ملی، از کارت‌های پلاستیک الکترونی استفاده نمودن

گسترش سیستم ملی انجام تصفیه حساب غیرنقدی نیز اهمیت زیادی داشته و در آینده نزدیک، این سیستم در سراسر جمهوری به کار برده خواهد شد. خلاصه، در آینده، پایداری و استواری ساختن «سوم»، مقدم بر همه حل وظایف اقتصادی و نوآوری، استحکام و تقویت موفقیت‌ها در تمام عرصه‌های اقتصادی و تأمین رشد هرچه بیشتر آن‌ها یعنی صلاحیت تولید پر قدرت کشور جهت ثبات ارز، مهمترین اساس خواهد بود.

۹- کاتالوگ سکه‌های تیمور و خاندان او

- ۱ - میری. تیمور و سیورغتمش خان، سمرقند. سال ۷۸۳ هـ / ۸۲ / ۱۳۸۱ م. وزن - ۱/۵۵ گرام. قطر - ۱۷ م. نقره. (سالم) ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۲ (عکس شماره ۱)
- ۲ - میری. تیمور و سیورغتمش خان. سمرقند. سال ۷۸۵ هـ / ۱۳۸۳ م. وزن - ۱/۴۲ گرام. قطر - ۱۷-۱۶ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۷ (عکس شماره ۲)
- ۳ - میری. تیمور و سیورغتمش خان، سمرقند. سال ۷۸۶ هـ / ۱۳۸۴ م. وزن - ۱/۴۵ گرام. قطر - ۱۶/۵ / ۱۶ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۵۷ (عکس شماره ۳)
- ۴ - میری. تیمور و سیورغتمش. سمرقند. سال ۷۸۵ هـ / ۱۳۸۳ م. وزن - ۱/۴۹ گرام. قطر - ۱۶-۱۵ م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۱۵۴/۱۶۴ (عکس شماره ۴)
- ۵ - تنگه. تیمور و سیورغتمش. خوارزم. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۷/۰۵ گرام. قطر - ۲۷-۲۵ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۳۰۰ (عکس شماره ۵)
- ۶ - میری. تیمور و سیورغتمش. سمرقند. سال ۷۸۸ هـ / ۱۳۸۶ م. وزن - ۱/۱۶ گرام.

- قطر - ۱۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، N-۴۷/۱۴ (عکس شماره ۶)
- ۷- میری. تیمور و سلطان محمود. سمرقند. سال ۱۳۸۸/۷۹۱ه. وزن - ۱/۵۹گرم.
- قطر - ۱۷م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۱۵۴/۱۶۹ (عکس شماره ۷)
- ۸- میری. تیمور و محمود. سمرقند. سال ۱۳۸۸-۸۹/۷۹۱ه. وزن - ۱/۵۴گرم.
- قطر - ۱۸-۱۷م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۶۳ (عکس شماره ۸)
- ۹- فلوس. امیر تیمور. سمرقند. سال ۱۳۸۳/۷۸۵ه. وزن - ۴/۱۳گرم. قطر - ۲۷-۲۵م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۷/۷ (عکس شماره ۹)
- ۱۰- فلوس. امیر تیمور. سمرقند. سال ۱۳۸۳/۷۸۵ه. وزن - ۳/۵۱گرم. قطر - ۲۲م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۷/۸ (عکس شماره ۱۰)
- ۱۱- میری. امیر تیمور و محمود. سمرقند. سال ۱۳۹۱/۷۹۳ه. وزن - ۱/۵۱گرم.
- قطر - ۱۶-۱۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۷-۲۱ (عکس شماره ۱۱)
- ۱۲- میری. تیمور و محمود. سمرقند. سال ۱۳۹۵/۷۹۸ه. وزن - ۱/۵۱گرم. قطر - ۱۶-۱۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۱۵۴/۱۷۱ (عکس شماره ۱۲)
- ۱۳- میری. تیمور و محمود. سمرقند سال ۱۳۹۷-۹۸/۸۰۰ه. وزن - ۱/۴۹گرم.
- قطر - ۱۶/۵-۱۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۱۹۲ (عکس شماره ۱۳)
- ۱۴- میری. تیمور و محمود. خوارزم. سال ۱۳۹۴-۵/۷۹۷ه. وزن - ۱/۵۰گرم.

قطر- ۱۷-۱۶م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.
N-۴۰۱/۲۶۱

۱۵- تنگه. تیمور و محمود. شیراز. سال ۸۰۰هـ/۹۸-۱۳۹۷م. وزن - ۶/۲۴ گرم. قطر-
۲۶-۲۴م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۳۰۳
(عکس شماره ۱۵)

۱۶- تنگه. تیمور و محمد سلطان. یزد. سال ۸۰۵هـ/۳-۱۴۰۲م. وزن - ۶/۱۷ گرم.
قطر - ۵/۲۶-۲۶م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.
N-۴۰۱/۲۸۶ (عکس شماره ۱۶)

۱۷- فلوس. امیر تیمور. وزن - ۲/۴۵ گرم. قطر - ۲۰-۱۹م.م. مس. (سالم) ذخیره موزه
دولتی تاریخ ازبکستان. N-۲۱/۳۹ (عکس شماره ۱۷).

۱۸- تنگه. تیمور و محمود. باکویه. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۰ گرم.
قطر- ۲۷-۲۵م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.
N-۴۰۱/۲۶۳ (عکس شماره ۱۸)

۱۹- تنگه. تیمور و محمود. بامیان. سال ۷۹۹هـ/۷-۱۳۹۶م. وزن - ۵/۹۵ گرم.
قطر - ۳۰-۲۸م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.
N-۴۰۱/۲۹۴ (عکس شماره ۱۹)

۲۰- تنگه. تیمور و محمود. اصفهان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۳ گرم.
قطر - ۲۴م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۱۵۴/۱۸۰
(عکس شماره ۲۰)

۲۱- تنگه. تیمور و محمود. یزد. سال ۷۹۷هـ/۹۵-۱۳۹۴م. وزن - ۵/۹۴ گرم. قطر-
۲۴/۲۸م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۲۸۲
(عکس شماره ۲۱)

۲۲- تنگه. تیمور و محمود. کاشان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۲ گرم.
قطر- ۲۶-۲۵م.م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۲۸۸

(عکس شماره ۲۲)

۲۳ - تنگه. تیمور و محمود. قم. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵۸/۵۵ گرام. قطر - ۲۴-۲۵ مم. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. H-۴۰۱/۲۸۹

(عکس شماره ۲۳)

۲۴ - تنگه. تیمور و محمود. ماردین. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۹۵/۵۵ گرام. قطر - ۲۴ مم. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. H-۱۱۳/۱۸

(عکس شماره ۲۴)

۲۵ - تنگه. تیمور و محمد سلطان. سلطانیه. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۲۱ گرام. قطر - ۲۵-۲۹ مم. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.

(عکس شماره ۲۵) N-۴۰۱/۲۹۵

۲۶ - تنگه. تیمور و محمود. تبریزی. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶ گرام. قطر - ۲۵-۲۶ مم. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۲۹۸

(عکس شماره ۲۶)

۲۷ - تنگه. تیمور و محمود. شایار؟. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۹۰ گرام. قطر - ۲۵ مم. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. N-۴۰۱/۳۰۲

(عکس شماره ۲۷)

۲۸ - تنگه. تیمور و محمود. شماخ؟. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۰ گرام. قطر - ۲۶-۲۸ مم. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.

(عکس شماره ۲۸) H-۴۰۱/۳۰۵

۲۹ - تنگه. تیمور و محمود. شیراز تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۵ گرم. قطر - ۲۴/۵-۲۳ مم. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.

(عکس شماره ۲۹) N-۴۰۱/۳۰۴

۳۰ - میری. محمد جهانگیر و خلیل سلطان. سمرقند. سال ۸۰۷/۵-۱۴۰۴ م. وزن - ۱/۵۳ گرام. قطر - ۱۵-۱۶ مم. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان.

۲۲۴/۴۰۱-N (عکس شماره ۳۰)

۳۱- مری. محمد جهانگیر و خلیل سلطان. سمرقند. سال ۸۰۸/۶-۱۴۰۵م. وزن - ۱/۵۱۴ گرام. قطر - ۱۷/۵/۱۷م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۲۴۷/۴۰۱-H. (عکس شماره ۳)

۳۲- تنگه. شاهرخ. استرا سال ۸۳۱/۱۴۲۷م. وزن - ۵/۱۲ گرام. قطر - ۲۰م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۲۱/۶۰-N (عکس شماره ۳۲)

۳۳- تنگه. شاهرخ. (استرا). تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۸۸ گرام. قطر - ۲۲-۲۱م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۲۱/۹۰-N. (عکس شماره ۳۳)

۳۴- تنگه. شاهرخ. استرabad. اسپره. سال ۸۴۱-۱۴۳۷م. وزن - ۵/۰۷ گرام، قطر ۱۹/۵-۱۹. نقره. (سالم) ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۴۷/۶۶-H. عکس.

۳۵- تنگه. شاهرخ. هرات. سال ۸۲۹/۱۴۲۶م. وزن - ۵/۰۶ گرام. قطر - ۲۲-۲۰م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۴۷/۶۰-H. عکس.

۳۶- تنگه. شاهرخ. ساوه. سال ۸۳۰/۱۴۲۶م. وزن - ۵/۰۸ گرام. قطر - ۲۲م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۲۱/۵۶-H. عکس.

۳۷- تنگه. شاهرخ. سمرقند. سال ۸۳۱/۱۴۲۷م. وزن - ۴/۵۲ گرام. قطر - ۲۱م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۲۱/۵۹-H. عکس.

۳۸- تنگه. شاهرخ. سمرقند. سال ۸۳۹/۱۴۳۵م. وزن - ۵/۰۶ گرام. قطر - ۲۲م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان، ۱۵۴/۱۹۵-H. عکس.

۳۹- تنگه. شاهرخ. سمرقند سال ۸۴۷/۱۴۴۳م. وزن - ۵/۱۳ گرام. قطر - ۲۳-۲۲م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۱۱۲/۷۰-H. عکس.

۴۰- تنگه. شاهرخ. سال ۸۳۰/۲۷-۱۴۲۶م. وزن - ۵/۱۸ گرام. قطر - ۲۱م. نقره.

- (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۵۷/۲۱-ه. عکس.
- ۴۱ - تنگه. شاهرخ. سمرقند. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۶۶ گرام. قطر - ۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۱۹۴/۱۵۴-ه. عکس.
- ۴۲ - تنگه. شاهرخ. سبزوار. سال ۸۳۲/۱۴۲۸م. وزن - ۴/۷۲. قطر - ۲۲م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۶۱/۲۱-ه. عکس.
- ۴۳ - تنگه. شاهرخ. سبزوار. سال ۸۲۷/۱۲۲۴م. وزن - ۵/۱۲ گرام. قطر - ۲۴-۲۲م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۵۶/۴۷-ه. عکس.
- ۴۴ - تنگه. شاهرخ. تبریز. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۱۵ گرام. قطر - ۲۰-۱۹م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۹۲-۲۱-ه. عکس.
- ۴۵ - فلوس. شاهرخ. خوارزم. سال ۸۲۱/۱۴۱۸م. وزن - ۴/۱۰ گرام. قطر - ۲۲-۲۱م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۴۸-۲۱-ه. عکس.
- ۴۶ - تنگه. شاهرخ. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۳۶ گرام. قطر - ۲۱م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۶۳/۲۱-ه. عکس.
- ۴۷ - تنگه. الغبیک. سمرقند. سال ۸۵۳/۱۴۴۹م. وزن - ۵/۰۵ گرام. قطر - ۲۳-۲۲م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۸۱/۴۷-ه. عکس.
- ۴۸ - فلوس. الغبیک. شاهرخیه. سال ۸۳۲/۱۴۲۸م. وزن - ۷/۵۶ گرام. قطر - ۲۶-۲۳م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. ۷۶/۲۱-ه. عکس.
- ۴۹ - فلوس. خوارزم. سال ۸۳۲/۱۴۲۸م. وزن - ۲/۷۵ گرام. قطر - ۲۳×۲۲م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی. ازبکستان. ۶۲/۲۱-ه. عکس.
- ۵۰ - فلوس. سمرقند. سال ۸۴۵/۵۱-۱۴۵۰م. وزن - ۴/۶۴ گرام. قطر - ۲۳-۲۲م.

- مس. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۹۶. عکس.
- ۵۱- تنگه. سلطان احمد. سمرقند. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۷۱ گرام.
- قطر - ۲۶-۲۵م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۰. عکس.
- ۵۲- تنگه. سلطان احمد. سنه‌اش ساییده شده است، وزن - ۴/۷۸ گرام. قطر - ۲۷-۲۶م.م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۹۸. عکس.
- ۵۳- تنگه. بایسنقر. سمرقند. سال ۹۰۱/هـ. ۱۴۹۵م. وزن - ۴/۸۲ گرام. قطر - ۲۴/۵م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۲۰. عکس.
- ۵۴- تنگه. سلطان علی میرزا. سمرقند. سال ۹۰۴/هـ. ۱۴۹۸م. وزن - ۴/۶۶ گرام. قطر - ۲۵-۲۴م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۵. عکس.
- ۵۵- تنگه. سلطان حسین. استرآباد. سال ۸۹۶/هـ. ۱۴۹۱م. وزن - ۴/۶۹ گرام. قطر - ۲۶م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۲. عکس.
- ۵۶- تنگه. حسین و تمغای بایسنقرغازی. استرآباد. سال ۹۰۲/هـ. ۱۴۹۶م. وزن - ۵/۰۰ گرام. قطر - ۲۲م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۱. عکس.
- ۵۷- تنگه. سلطان حسین. استرآباد. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۳/۷۵ گرام. قطر - ۲۴/۳م.م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۱۷. عکس.
- ۵۸- تنگه. سلطان حسین. هرات. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۷۱ گرام. قطر - ۲۴م.م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۷. عکس.
- ۵۹- تنگه. سلطان حسین. مشهد. سال ۸۷۴/هـ. ۷۰-۱۴۶۹م. وزن - ۴/۹۴ گرام. قطر - ۲۴-۲۱م.م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۴۷/۸۹. عکس.
- ۶۰- تنگه. سلطان حسین. تبریزی. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۶۴ گرام. قطر - ۲۴م.م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۰۸. عکس.
- ۶۱- فلوس. اندیجان. سال ۸۹۰/هـ. ۱۴۸۰م. وزن - ۴/۸۰ گرام. قطر - ۲۳-۲۲م.م. مس.

- سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۰۲. عکس.
- ۶۲- فلوس. بخارا. سال ۸۷۴هـ/ ۷۰-۱۴۶۹م. وزن - ۳/۴۶ گرام. قطر - ۲۱/۵م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۹۹. عکس.
- ۶۳- فلوس. هرات. سال ۸۷۷هـ/ ۳-۱۴۷۲م. وزن - ۲/۷۶ گرام. قطر - ۱۸م. مس. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۱۰. عکس.
- ۶۴- فلوس. هرات. سال ۸۸۸هـ/ ۱۴۸۳م. وزن - ۲/۸۸ گرام. قطر - ۱۸م. مس. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۱۱. عکس.
- ۶۵- فلوس. خوارزم. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۲/۲۲ گرام. قطر - ۱۹-۱۸م. مس. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۲۱/۱۰۰. عکس.
- ۶۶- فلوس. تیموریان. خیسا. وزن - ۹/۵۲ گرام. قطر - ۲۷-۲۶م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۱۸. عکس.
- ۶۷- فلوس. تیموریان. خیسا. سال ۹۰۷هـ/ ۱۵۰۱-۱۵۰۰م. وزن - ۸/۹۲ گرام. قطر - ۲۸-۲۶م. مس. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. H-۱۵۴/۲۱۷. عکس.
- ۶۸- تنگه. تیمور و محمود. اندیجان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۸۷ گرام. قطر - ۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۱. عکس.
- ۶۹- تنگه. تیمور و محمود. استراباد. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۴ گرام. قطر - ۲۸-۲۶م. نقره. سالم. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲. عکس.
- ۷۰- تنگه. تیمور و محمود. باکویه. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۹۰ گرام. قطر - ۲۷-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۳. عکس.
- ۷۱- تنگه. تیمور و محمود. بغداد. سنه اش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۸ گرام. قطر - ۲۳م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۴. عکس.
- ۷۲- تنگه. تیمور و محمود. بغداد. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۶ گرام.

قطر - ۲۴-۲۲م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۵. عکس.

۷۳- تنگه. تیمور و محمود. بامیان. سال ۷۷۹۹/۷-۱۳۹۶م. وزن - ۵/۹۶گرام. قطر - ۲۶-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۶. عکس.

۷۴- تنگه. تیمور و محمود. بامیان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۷گرام. قطر - ۲۷م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۷. عکس.

۷۵- تنگه. تیمور و محمود. دریند. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۰گرام. قطر - ۲۸-۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۸. عکس.

۷۶- تنگه. تیمور و محمود. دریند. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۷گرام. قطر - ۲۵-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۹. عکس.

۷۷- تنگه. تیمور و محمود. اصفهان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۲۴گرام. قطر - ۲۶-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۱۰. عکس.

۷۸- تنگه. تیمور و محمود. اصفهان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۶گرام. قطر - ۲۶/۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۱۱. عکس.

۷۹- تنگه. تیمور و محمود. اردو. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۳گرام. قطر - ۲۸-۲۷م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۱۲. عکس.

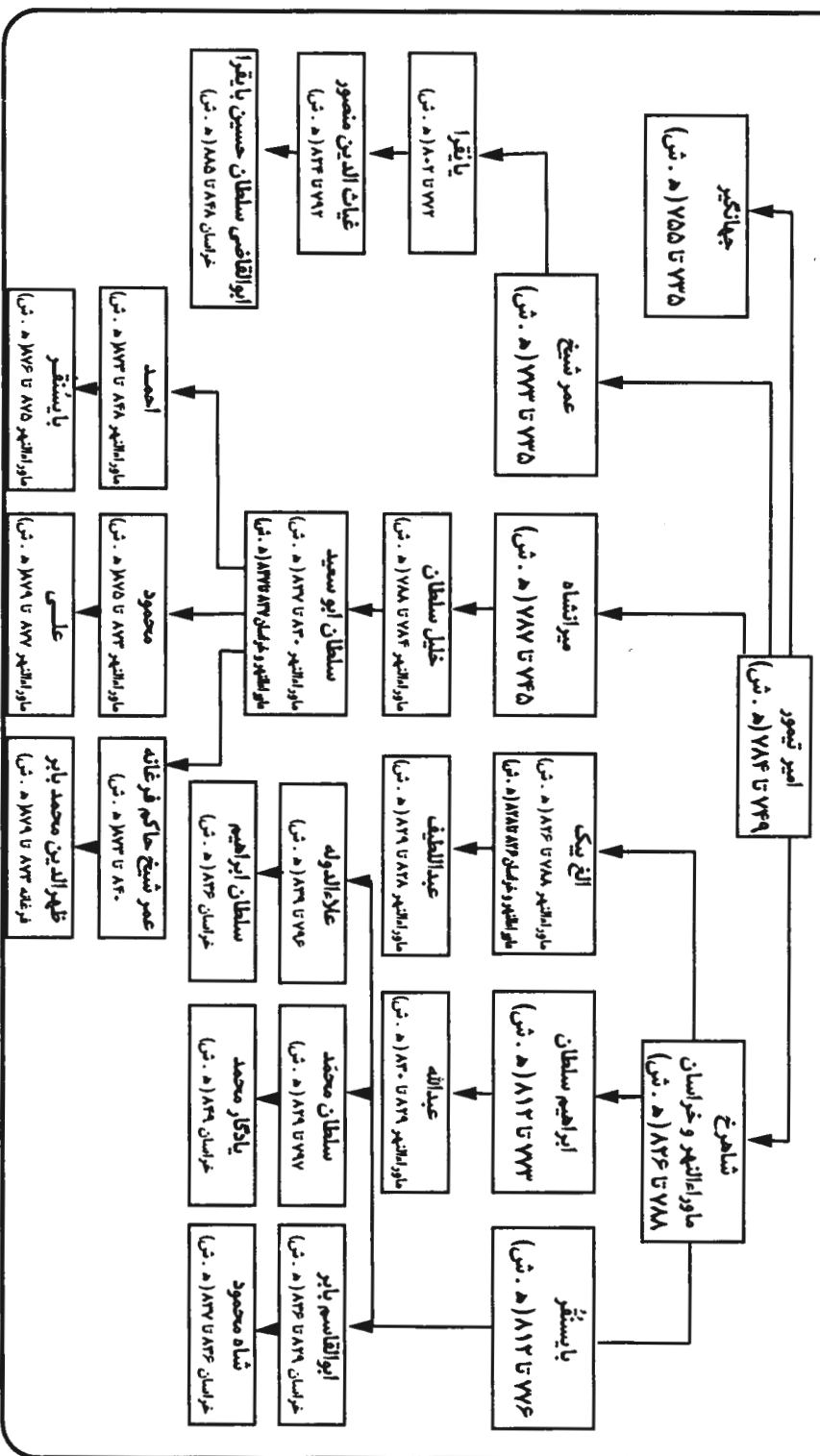
۸۰- تنگه. تیمور و محمود. ساوه. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۲گرام. قطر - ۲۵-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۱۳. عکس.

- ۸۱- تنگه. تیمور و محمود. تبریز. سال ۱۳۹۷/۵-۱۳۹۴م. وزن - ۱۰/۶گرام. قطر - ۲۹/۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۴-KN. عکس.
- ۸۲- تنگه. محمدسلطان. تبریز. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۲۰/۶گرام. قطر - ۲۸-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۵-KN. عکس.
- ۸۳- تنگه. تیمور و محمود. جوزجان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۱۳/۶گرام. قطر - ۲۷-۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۶-KN. عکس.
- ۸۴- تنگه. تیمور و محمود. یزد. سال ۱۳۹۷/۵-۱۳۹۴م. وزن - ۹۵/۵گرام. قطر - ۲۵. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۷-KN. عکس.
- ۸۵- تنگه. تیمور و محمود. یزد. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۷۷/۵گرام. قطر - ۲۸-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۸-KN. عکس.
- ۸۶- تنگه. تیمور و محمود. کاشان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۰۴/۶گرام. قطر - ۲۶-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۱۹-KN. عکس.
- ۸۷- تنگه. تیمور و محمود. کاشان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۰۰/۶گرام. قطر - ۲۸-۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۲۰-KN. عکس.
- ۸۸- تنگه. تیمور و محمود. کرمان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۱۹/۶گرام. قطر - ۲۷-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۲۱-KN. عکس.
- ۸۹- تنگه. تیمور و محمود. کرمان. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۳۷/۶گرام. قطر - ۲۷-۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۲۲-KN. عکس.
- ۹۰- تنگه. تیمور و محمود. قم. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۱۴/۵گرام. قطر -

- ۲۸-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۳. عکس.
- ۹۱- تنگه. تیمور و محمود. قم. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۵/۹۰ گرام. قطر - ۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۴. عکس.
- ۹۲- تنگه. تیمور و محمود. میردین. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۳۸ گرام. قطر - ۲۶-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۵. عکس.
- ۹۳- مری. تیمور و محمود. خوارزم. سال ۸۹۹هـ/۷-۱۳۹۶م. وزن - ۱/۶۰ گرام. قطر - ۱۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۶. عکس.
- ۹۴- مری. تیمور و محمود. خوارزم. سال ۷۹۱هـ/۸۹-۱۳۸۸م. وزن - ۱/۴۵ گرام. قطر - ۱۶-۱۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۷. عکس.
- ۹۵- تنگه. تیمور و محمود. قرشی. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۴ گرام. قطر - ۲۶-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۸. عکس.
- ۹۶- تنگه. تیمور و محمود. شبانکاره. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۴/۱۶ گرام. قطر - ۲۹-۲۶م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۲۹. عکس.
- ۹۷- تنگه. تیمور و محمود. شمالی. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۰۶ گرام. قطر - ۲۶-۲۴م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۳۰. عکس.
- ۹۸- تنگه. تیمور و محمود. شیراز. سال ۸۰۰هـ/۱۳۹۷م. وزن - ۶/۳۳ گرام. قطر - ۲۸-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۳۱. عکس.
- ۹۹- تنگه. تیمور و محمود. شیراز. سال ۸۰۰هـ/۱۳۹۷م. وزن - ۶/۱۰ گرام. قطر - ۲۸-۲۵م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. KN-۲۰۰۴/۳۲. عکس.

- ۱۰۰ - تنگه. تیمور و محمود. شیخ ابواسحق. سال ۵/۷۹۷-۱۳۹۴ م. وزن - ۶/۲۵ گرام. قطر - ۲۷-۲۵ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۳۳-KN. عکس.
- ۱۰۱ - تنگه. تیمور و محمود. هرات. تاریخش ساییده شده است. وزن - ۶/۱۱ گرام. قطر - ۲۵ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۳۴-KN. عکس.
- ۱۰۲ - تنگه. تیمور و محمود. کرمان. سال ۵/۷۹۳-۱۳۹۰ م. وزن - ۶/۰۲ گرام. قطر - ۲۶-۲۵ م. نقره. (سالم). ذخیره موزه دولتی ازبکستان. ۲۰۰۴/۳۵-KN. عکس.
- ۱۰۳ - سکه مطلای «بیرسوم» (یک سُم) که به مناسبت برگزاری ششصدمین سالروز تولد الغ بیگ سال ۱۹۹۴ میلادی، ضرب شده است. وزن - ۱۵/۱۰ گرام. قطر - ۳۱ م. ذخیره موزه دولتی ازبکستان. الف ۱/۲۱۳۸-KN. عکس.
- ۱۰۴ - سکه مطلای «اون سوم» (ده سُم) که به مناسبت سومین سالگرد استقلال جمهوری ازبکستان (در سال ۱۹۹۴ میلادی) ضرب شده است. وزن - ۲۸ گرام. قطر - ۳۸/۵ م. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. الف ۳/۲۱۳۸-KN. عکس.
- ۱۰۵ - سکه نقره‌ای «اون سوم» که به مناسبت سومین سالگرد استقلال جمهوری ازبکستان زدر سال ۱۹۹۴ میلادی) ضرب شده است. وزن - ۳۱/۳۰ گرام. قطر - ۳۸/۵ م. ذخیره موزه دولتی تاریخ ازبکستان. الف ۴/۲۱۳۸-KN. عکس.
- ۱۰۶ - سکه نقره‌ای «یوز سوم» (صد سُم) که به افتخار ششصد و شصتمین سالروز تولد امیر تیمور (در سال ۱۹۹۶ میلادی) ضرب شده است. وزن - ۳۱/۱۰ گرام. قطر - ۳۸ م. عکس.
- ۱۰۷ - سکه مطلای «یوز سوم» که به افتخار ششصد و شصتمین سالروز تولد امیر تیمور (در سال ۱۹۹۶ میلادی) ضرب شده است. وزن - ۳۱/۱۰ گرام. قطر - ۳۸ م. عکس.

امیر تیمور و نوادگان وی که در ماوراءالنهر و خراسان، طی سالهای ۷۴۹ تا ۸۸۶ هجری شمسی حکمرانی کردند





1



2



3





4



5



6





7



8



9



10



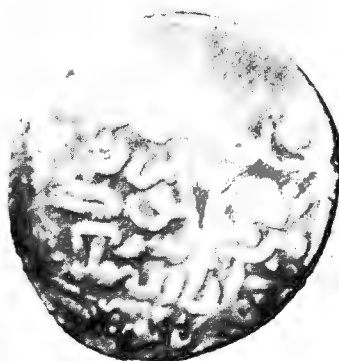
11



12



13



14



15





16



17



18

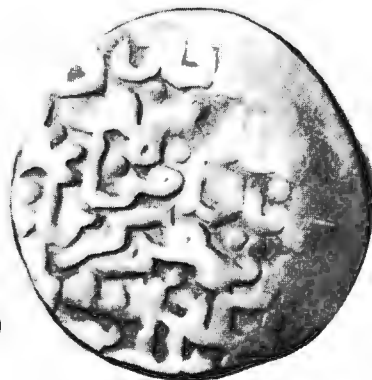




19



20



21





22



23



24





25



26



27





28



29



30





31



32



33





34



35



36





37



38



39





40



41



42





43

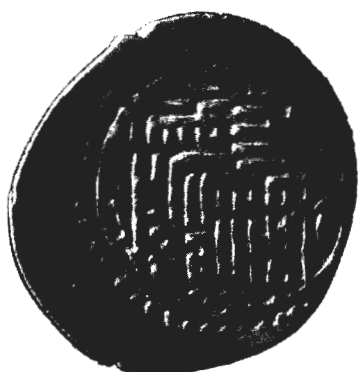


44



45

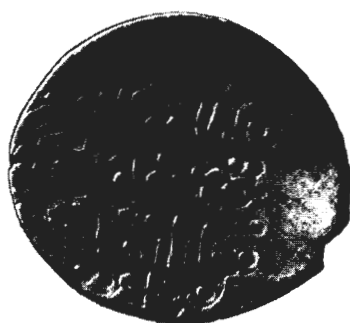




46



47



48





49



50



51





52



53



54





55



56



57



58

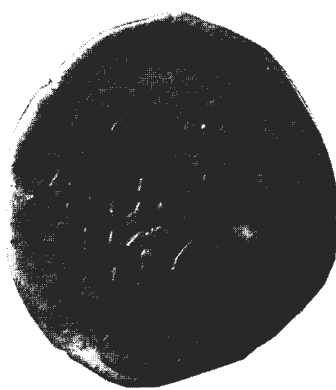


59



60





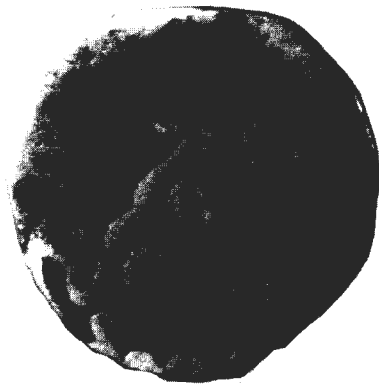
61



62



63





64



65



66





67



68



69





70



71



72





73



74



75





76



77



78





79



80



81





82



84



85





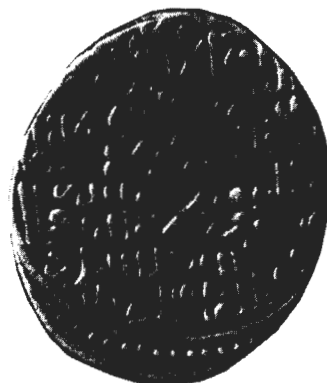
86



87



88





89



90



91





92



93



94





95



96



97



98



99



100

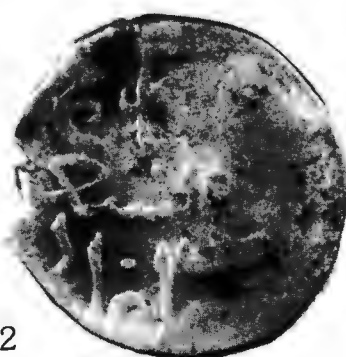




101



102



103





104



105



106





109



110

